



اندیشه ورزی در جنگ

اندیشکده‌ها در جنگ چه کردند؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



خانه اندیشه ورزان

اندیشه ورزی در جنگ

اندیشگده‌ها در جنگ چه کردند؟

صاحب امتیاز

خانه اندیشه ورزان

تابستان ۱۴۰۴



رژیم صهیونی با این جنایت، برای خود سرنوشت تلخ و دردناکی تدارک دید و آن را قطعاً دریافت خواهد کرد

ملت بزرگ ایران!

رژیم صهیونی در سحرگاه امروز دست پلید و خون‌آلود خود را به جنایتی در کشور عزیزمان گشود و ذات خبیث خود را با زدن مراکز مسکونی بیش از گذشته آشکار کرد. رژیم باید منتظر مجازاتی سخت باشد.

دست قدرتمند نیروی مسلح جمهوری اسلامی او را رها نخواهد کرد باذن الله.

در حملات دشمن، تنی چند از فرماندهان و دانشمندان به شهادت رسیدند. جانشینان و همکاران آنان بی‌درنگ وظائف خود را پی خواهند گرفت انشاءالله. رژیم صهیونی با این جنایت، برای خود سرنوشت تلخ و دردناکی تدارک دید و آن را قطعاً دریافت خواهد کرد.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۴۰۴/۳/۲۳



پیش‌گفتار

اندیشکده‌ها به‌مثابه نهادهای واسط میان دانش و تصمیم، در بزنگاه‌های بحرانی و شرایط پیچیده سیاسی و اجتماعی، نقشی مضاعف می‌یابند. در جهانی که سرعت تحولات، عمق تهدیدها، و پیچیدگی نظام‌های تصمیم‌گیری هم‌زمان افزایش یافته است، نمی‌توان از اندیشکده‌ها انتظار داشت که صرفاً بازوی مشورتی دستگاه‌های اجرایی باقی بمانند. بلکه لازم است جایگاه آن‌ها به‌عنوان کنشگران فعال در عرصه پیش‌بینی، تحلیل و طراحی سناریوهای حکمرانی، بازتعریف شود. واقعیت این است که بخش مهمی از ضعف‌های سیاست‌گذاری در کشور، نه ناشی از فقدان دانش، بلکه حاصل فقدان نظام‌مندی در شناخت، پردازش و انتقال مؤثر آن به ساختارهای تصمیم‌گیری است. اینجاست که مسئله «تبدیل داده به تحلیل و تحلیل به کنش» به دغدغه‌ای اساسی بدل می‌شود. از سوی دیگر، چالش‌های نوظهور همچون جنگ ترکیبی، ترورهای هدفمند، بحران حکمرانی فضای مجازی، و اختلال در نظام‌های معنابخش رسمی، ضرورت بازآزایی ظرفیت‌های تحلیلی کشور را دوچندان کرده است. در این زمینه، اندیشکده‌ها می‌توانند با ایجاد پیوند میان سه ساحت «رصد تحولات»، «تولید روایت معتبر» و «پیشنهاد مداخله راهبردی»، نقش فعالی در ارتقای تاب‌آوری ملی ایفا کنند. با این حال، تحقق این نقش نیازمند بازنگری در ساختار درونی اندیشکده‌ها، تقویت استقلال فکری، گسترش تعاملات میان‌رشته‌ای، و تسلط بر ابزارهای نوین تحلیل از جمله فناوری‌های هوش مصنوعی و تحلیل کلان‌داده است. نقطه عزمیت هر بحثی درباره آینده اندیشکده‌ها در ایران، باید ناظر به این پرسش باشد که چگونه می‌توان نهاد تحلیل را از جایگاهی حاشیه‌ای در مناسبات سیاست‌گذاری، به موقعیتی کانونی و تأثیرگذار ارتقا داد؟ طرح این پرسش، زمینه ورود به بازاندیشی در مأموریت، روش و ساختار اندیشکده‌ها را فراهم می‌کند.

اندیشکده‌ها باید دانش موجود را مدیریت کنند

کیومرث اشتریان
استاد دانشگاه



یکی از ویژگی‌های کلیدی اندیشکده‌ای که در بحران موفق عمل می‌کند، تمرکز بالای آن بر حوزه تخصصی خود است. برخلاف نهادهایی که در موضوعات مختلف پراکنده می‌شوند و پیام روشنی ندارند، اندیشکده موفق از قبل روی یک حوزه خاص کار کرده و سناریوهای مشخصی برای آینده دارد. برای مثال، اندیشکده‌ای که در حوزه دارو فعال است، در زمان بحران به جای واکنش‌های پراکنده، با آمادگی قبلی و بر اساس سناریوهای تدوین شده وارد عمل می‌شود. این آمادگی نشان می‌دهد که اندیشکده در زمان «کاشت» به درستی کار کرده و اکنون در زمان «برداشت» می‌تواند به خوبی پاسخ دهد. درک عمیق موضوع، تجربه قبلی و تدوین سناریوهای مختلف، باعث می‌شود این نهاد به جای طرح پرسش‌های ابتدایی، سوالات پخته‌تری مطرح کرده و در تعامل با سایر اندیشمندان به یک سنتز دانش برسد.

وی گفت: برخلاف تصور رایج، بسیاری از اندیشکده‌ها لزوماً تولیدکننده دانش جدید نیستند، بلکه نقش مهم‌تری دارند: مدیریت دانش موجود. این یعنی گردآوری، تحلیل و بازسازی دانشی که قبلاً در اختیار بوده. اما برای مدیریت دانش، ابتدا باید خود نهاد دانش قوی‌ای داشته باشد. بدون داشتن سواد عمیق در آن حوزه، نمی‌توان دانش را به درستی مدیریت کرد. مدیریت دانش می‌تواند سریع و انعطاف‌پذیر باشد. وقتی اندیشکده به موضوعی مسلط است، می‌تواند با یک تلفن در عرض یک ساعت اطلاعات کلیدی را جمع‌آوری کرده و به تصمیم‌سازها ارائه دهد. این سطح از چابکی در مدیریت دانش نیازمند خودآگاهی نسبت به حوزه فعالیت و مهارت سنتز اطلاعات از منابع مختلف است.

او افزود: سناریونویسی در اندیشکده‌ها به معنای پیش‌بینی آینده نیست، بلکه

آماده‌سازی برای انواع سناریوهای محتمل است. این کار به اندیشکده اجازه می‌دهد در مواجهه با عدم قطعیت، گزینه‌های مختلف را در نظر گرفته و برای هر کدام راهکار داشته باشد. هدف سناریونویسی، پیش‌بینی نیست بلکه پاسخ‌گویی فعال به رویدادهای احتمالی است. اندیشکده‌ها باید با ارائه چند سناریو مشخص و تدوین تدابیر برای هر کدام، آمادگی مواجهه با بحران‌ها را بالا ببرند. یکی از ویژگی‌های مهم یک اندیشکده مؤثر، منتظر نماندن برای دیگران است. این نهادها باید خودشان تولید فکر و سیاست کنند، حتی اگر سیستم رسمی کشور از آنها استقبال نکند. کنشگری فعال یعنی به‌جای منتظر ماندن برای اقدام دولت، خود به میدان آمدن، چه با مشارکت نهادهای مدنی، چه با ایفای نقش مشاور اجرایی. این همان رویکرد اقدام مشارکتی است؛ یعنی اندیشکده علاوه بر مطالعات نظری، وارد اجرا نیز می‌شود. این مشارکت نه تنها به اثربخشی بیشتر منجر می‌شود، بلکه می‌تواند منابع مالی مناسبی نیز فراهم کند.

وی در ادامه گفت: بحران‌ها می‌توانند فرصتی برای کشف ایده‌های تازه باشند. خیلی از مواقع در فضای بحرانی، ایده‌هایی به ذهن مان می‌رسد که پیش از آن به آن‌ها فکر نکرده‌ایم. این ایده‌ها را باید بلافاصله ثبت، تحلیل و چارچوب‌بندی کرد. ممکن است یک فکر شبانه، همان شب تبدیل به مقاله‌ای شود که تأثیرگذاری بالایی دارد. همچنین اندیشکده‌ها باید هم‌زمان دو مسیر انتشار را دنبال کنند: ارسال گزارش‌های رسمی به نهادهای دولتی و انتشار یادداشت‌های کوتاه و تأثیرگذار در رسانه‌های عمومی. گاهی ارسال گزارش رسمی به جایی نمی‌رسد و در بوروکراسی اداری گم می‌شود. در این موارد، انتشار یک یادداشت در رسانه می‌تواند بسیار مؤثرتر باشد و واکنش عمومی ایجاد کند. اما شرط موفقیت این مسیر، کوتاه‌نویسی و تمرکز بر نکات کلیدی است. یک یادداشت ۷۰۰ کلمه‌ای می‌تواند بیشتر از یک گزارش ۱۵۰۰ کلمه‌ای مخاطب جذب کند.

او با اشاره به نیاز اندیشکده‌ها به یک سکوی انتشار ثابت گفت: اندیشکده باید برای خود یک «سکوی انتشار» ثابت داشته باشد، مثل ستون هفتگی در یک رسانه خاص، تا مخاطبان بدانند کجا باید سرزنند. این ثبات انتشار، نقش مهمی در اثرگذاری دارد. برای تفکر خلاق، آزادی اندیشه شرط اصلی است. اما آزادی فقط در برابر فشارهای بیرونی نیست، بلکه درونی هم هست. رهایی از کینه‌ها، تعصب‌ها،

دغدغه تایید دیگران و ترس از قضاوت دیگران، بخشی از این آزادی است. وقتی نویسنده‌ای از ترس قضاوت یک استاد یا مقام دولتی، محتوای یادداشت خود را تغییر می‌دهد، آزادی اندیشه از بین رفته. حتی بسیاری از یادداشت‌هایی که نوشته می‌شوند، ممکن است حاصل یک اضطراب یا ترس شخصی باشند، و همین هم ارزش دارد. خودآگاهی نسبت به منشأ درونی اندیشه، یکی از مهم‌ترین عناصر تفکر مستقل است.

وی ادامه داد: در فضای سیاسی و رسانه‌ای، همواره با گروه‌های فشار مواجه هستیم. این فشارها لزوماً از یک جناح خاص نیستند؛ از اصلاح‌طلب تا اصولگرا، از چپ تا راست، همه دارای اقلیت‌های پرصدایی هستند که گاهی با هوچی‌گری، مانع از گفت‌وگوی عمیق و آزاد می‌شوند. اندیشکده‌ها نباید اسیر این فضا شوند. نباید بترسند که فکر و نظرشان به مذاق گروهی خوش نیاید. این هوشیاری فکری به آن‌ها اجازه می‌دهد تا نقش مستقل و تحلیلی خود را حفظ کنند. هرچه حلقه‌های فکری ما بسته‌تر باشند، خطر تبدیل شدن به «فرقه فکری» بیشتر است. اندیشکده‌ها باید تلاش کنند از تنوع دیدگاه‌ها، ارتباط با دیگران و شناخت افکار مختلف اجتماعی بهره‌مند شوند. تعامل با طیف‌های مختلف، شرط زنده ماندن تفکر است.

او در انتها گفت: اگر فقط در میان حلقه خودمان فکر کنیم و بنویسیم، دچار خودتاییدی می‌شویم. این خطر بزرگی است که بسیاری از گروه‌های سیاسی نیز با آن مواجه‌اند. ما باید فضای شناختی (cognitive community) خود را گسترده کنیم. مدل Kingdon، یکی از مدل‌های مهم در تحلیل سیاست‌گذاری عمومی، سه جریان اصلی را برای عملیاتی شدن یک ایده مطرح می‌کند: جریان مسائل، جریان راه‌حل‌ها و جریان سیاسی. وقتی این سه جریان با هم تلاقی می‌کنند، پنجره‌ای باز می‌شود که امکان تحقق یک ایده را فراهم می‌سازد. اندیشکده‌ها باید ایده‌ها، پروپوزال‌ها و تحلیل‌های خود را از قبل آماده داشته باشند تا در زمان مناسب، بتوانند از این «پنجره فرصت» استفاده کنند.

- برای تأثیرگذاری در فرآیند سیاست‌گذاری، اندیشکده‌ها باید تحلیل‌ها و راه‌حل‌های خود را از پیش آماده داشته باشند تا در زمان مناسب از پنجره فرصت استفاده کنند.

ایران باید سیستم امنیتی اطلاعاتی خود را مدرن کند



صابر میرزایی

استاد اندیشه ورزی

اندیشکده‌ها و دانشگاه‌ها در ایران عمدتاً در حوزه تولید نظریه و تحلیل اطلاعات فعالیت می‌کنند، اما تفاوت مهمی میان اطلاعات و خبر وجود دارد. خبر باید زنده، به‌روز و کاربردی باشد، در حالی که اطلاعات تولیدشده توسط اندیشکده‌ها بیشتر متاخر است و بیشتر به سمت تحلیل و پیش‌بینی می‌رود. این موضوع باعث می‌شود که دسترسی به اخبار دقیق و به‌موقع برای تحلیل‌های عملیاتی محدود باشد. با این حال، در شرایط حساس و پیچیده‌ای مانند جنگ و بحران، این نظریه‌پردازی‌ها اهمیت بسیار بالایی پیدا می‌کند و می‌تواند به عنوان راهنمایی برای تصمیم‌گیری‌های آینده استفاده شود. در شرایط فعلی کشور، با توجه به حمله ناگهانی و غیرمنتظره‌ای که رخ داد، هشدارها و علائم اولیه‌ای وجود داشت که چندان جدی گرفته نشدند. این امر موجب شد که کشور به صورت غافلگیرانه وارد مرحله جنگ شود. حالا کشور با چند چالش بزرگ امنیتی و اجتماعی روبروست که شرایط را غیرقابل تحمل کرده‌اند، از جمله مسائلی چون ترورهای متعدد، دستگیری‌های گسترده و وجود نیروهای عملیاتی متعدد در کشور. این موارد همه نشان‌دهنده این است که ایران در آستانه یک تحول شدید امنیتی قرار دارد و نمی‌توان وضعیت کنونی را به همین صورت پذیرفت.

وی اظهار داشت: برای مواجهه با این شرایط پیچیده، ایران ناچار است به سمت مدرن‌سازی سیستم‌های امنیتی و اطلاعاتی خود حرکت کند. استفاده از فناوری‌های پیشرفته، هوش مصنوعی و بهره‌گیری از تجارب کشورهایمانند چین می‌تواند راهگشای این تحول باشد. علاوه بر این، باید نیروهای مسلح نیز به شدت مدرن شوند. جنگ اخیر نشان داد که تکنولوژی پیشرفته، همچون پهپادها، سامانه‌های

راداری و موشکی و موشک‌های بالستیک پیشرفته، نقش تعیین‌کننده‌ای در برتری نظامی دارد و دیگر رشادت و شجاعت فردی به تنهایی کافی نیست. مدرن‌سازی نیروهای مسلح شامل ارتقاء فناوری، تربیت اپراتورهای ماهر پهپاد و سامانه‌های موشکی، و حرکت به سمت ارتشی کوچک‌تر اما فنی‌تر و کارآمدتر است. نمونه‌هایی از این روند در دنیا دیده می‌شود، مانند چین که ارتش عظیم خود را کنار گذاشته و به سمت یک ارتش مدرن و تخصصی حرکت کرده است. در این مسیر، نخبه‌گرایی در نیروهای مسلح جایگزین شیوه‌های قدیمی پرداخت حقوق و تمرکز بر کمیت می‌شود و کیفیت به اولویت بدل می‌گردد.

او در ادامه بیان داشت: از سوی دیگر، ایران در صحنه بین‌المللی با تغییرات اساسی مواجه است. صف‌آرایی‌های جدیدی شکل گرفته و کشورهایی که انتظار حمایت جدی از آن‌ها نمی‌رفت، مانند پاکستان، حمایت‌های لفظی خود را اعلام کرده‌اند. در این شرایط ایران به سمت افزایش همکاری‌های فنی، اقتصادی و امنیتی با چین حرکت خواهد کرد و به نظر می‌رسد که همکاری‌های استراتژیک با روسیه کمتر از گذشته شود. حمایت روسیه در حوزه‌های خاصی مانند بمب اتمی حتی به گونه‌ای بوده که برخی تحلیل‌گران معتقدند این مساله سبب شده ترامپ در حملات خود تردید کند. موضوع هسته‌ای همچنان یکی از محورهای اصلی در روابط بین‌المللی ایران باقی می‌ماند و حتی اگر این بحث کنار گذاشته شود، مشکلات و درگیری‌ها میان ایران و غرب حل نخواهد شد. نرمال‌سازی روابط با غرب گزینه‌ای نیست که ایران به سادگی بپذیرد، بلکه باید برای حفظ منافع خود عقب‌نشینی‌های حساب‌شده‌ای انجام دهد. علاوه بر این، حمله به سایت‌های هسته‌ای ایران و اقدامات مقابله‌ای ایران، موجب شده است که ایران از دید جهانیان کشوری با توان هسته‌ای تلقی شود، حتی اگر بخواهد این موضوع را انکار کند.

وی در ادامه افزود: در این زمینه، ایران با چالش‌های متعددی روبرو است. مثلاً مواد اولیه و زیرساخت‌های لازم برای برنامه‌های هسته‌ای محدود هستند و نیازی به ساخت تأسیسات عظیم وجود ندارد، بلکه بیشتر فعالیت‌ها جنبه آزمایشگاهی و پایلوت دارد. با این حال، کشورهای غربی از هر فرصتی برای محدود کردن ایران استفاده می‌کنند و فشارهای تحریمی و سیاسی همچنان ادامه دارد. از نظر

اقتصادی، پیش‌بینی می‌شود که ایران در مقابل تحریم‌های آمریکا و فشارهای بین‌المللی به سمت گسترش همکاری‌های نفتی و اقتصادی با چین حرکت کند. ایران ممکن است پیشنهاد استخراج روزانه ۱۰ میلیون بشکه نفت به چین بدهد که در صورت پذیرش این پیشنهاد، ممکن است آمریکا بخشی از تحریم‌های خود را بردارد. این تحول اقتصادی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر اقتصاد ایران داشته باشد، حتی اگر برخی نهادهای داخلی یا خارجی در این مسیر مخالفت کنند. او همچنین گفت: در داخل کشور، انسجام نسبی میان مردم ایجاد شده که نباید به راحتی از دست برود. هر چند برخی تلاش‌ها برای ایجاد شکاف و تفرقه در میان مردم وجود دارد و ممکن است پیشنهادهای فریبنده‌ای برای کاهش وحدت ملی ارائه شود، اما باید مراقب بود تا این انسجام حفظ شود و از تفرقه‌افکنی جلوگیری شود. تجربه نشان داده است که پیشنهادهای فریبنده از سوی دشمنان تا حد زیادی معطوف به ایجاد شکاف و عقب‌نشینی در مقابل فشارهاست. در نهایت، بخش مهمی از تحلیل‌های اندیشکده‌ها و نخبگان کشور جنبه اخلاقی و اجتماعی دارد. این گروه‌ها به عنوان پیش‌آهنگ‌های جامعه، باید تلاش کنند تا پیش‌بینی‌های خود را دقیق‌تر، قابل اعتمادتر و مبتنی بر روش‌های علمی ارائه دهند. هر چند دقت صددرد امکان‌پذیر نیست، اما با استمرار و اثبات پیش‌بینی‌ها، این نقش به تدریج در جامعه و نزد مدیران و سیاست‌گذاران تثبیت خواهد شد.



دولت در شرایط جنگی به کمک و ایده‌های اندیشکده‌ای نیاز دارد



علی حسینی
خانه اندیشه ورزان

از حدود ۱۰ ماه پیش، دقیقاً همان روزی که جناب آقای هنیه در تهران ترور شدند، همان بعدازظهرش جلسه‌ای در خانه اندیشه‌ورزان تشکیل شد. بعضی از عزیزانی که اینجا حضور دارند، در آن جلسه هم بودند. تقریباً همه در آن جلسه معتقد بودند که جنگ بین ایران و اسرائیل گریزناپذیر است و دیر یا زود به وقوع می‌پیوندد.

سحرگاه جمعه ۲۳ خردادماه، یک روز مانده به عید سعید غدیر، این اتفاق رخ داد. رژیم غاصب صهیونیستی به کشور عزیز ما حمله کرد و عده‌ای از سرداران و دانشمندان عزیز ما را به شهادت رساند. بعد از آن، خانه اندیشه‌ورزان تقریباً می‌شود گفت دو کار را به عهده گرفت: یک بخش، روایت بین‌الملل را پیگیری کرد و بخش دیگر، این بود که چند روزی صبر کردیم تا ببینیم اندیشکده‌ها چه واکنشی نسبت به این جنگ نشان می‌دهند.

او در ادامه گفت: واکنش‌هایی که داده شد، اغلب در حوزه مسائل امنیتی، اطلاعاتی و نظامی بود؛ درباره خود نفس جنگ صحبت می‌کردند. که خوب خیلی جالب نبود؛ چون جنگ ابعاد بسیار زیادی دارد: در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دیگر ابعاد زندگی اجتماعی ما. خیلی از این اندیشکده‌ها هم تخصصشان در آن حوزه‌ها بود، ولی با این حال به خود جنگ می‌پرداختند.

در حالی که اگر جنگ طولانی می‌شد — سه ماه، شش ماه، یک سال، دو سال یا بیشتر — تأثیراتش را در دیگر حوزه‌های زندگی نشان می‌داد. و ما باید هم مسائلی که ایجاد می‌کرد یا تشدید می‌کرد را پیش‌بینی می‌کردیم، صورت‌بندی می‌کردیم و هم برای آن‌ها راه‌حل طراحی می‌کردیم.

وی افزود: ما شروع کردیم به دعوت از اندیشکده‌ها تا در حوزه تخصصی خودشان

صحبت کنند؛ به دو دلیل؛ دلیل اول آنکه شاید در حوزه جنگ تخصصی نداشتند. دلیل دوم آنکه اصلاً صدایشان شنیده نمی‌شد در این حوزه. یعنی آن بخشی از دستگاه حکمرانی ما که در آن حوزه تصمیم می‌گرفت، شاید خیلی اندیشکده‌ها در آن تأثیرگذار نبودند.

ما به حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ نفر از اندیشه‌ورزان خودمان در اندیشکده‌ها پیام دادیم و دعوتشان کردیم که در حوزه تخصصی خودشان وارد کنش‌گری شوند.

از این حدود ۱۲۰ نفر، ۱۷ نفر به دعوت ما پاسخ مثبت دادند. برای راحتی این عزیزان گفتیم که اگر تمایل دارید، متن بنویسید. اگر نه، ما خدمتان می‌رسیم و گفت‌وگویی می‌کنیم. یا شما تشریف بیاورید اینجا گفت‌وگو کنیم؛ ما آن را ضبط می‌کنیم و بعداً تبدیل به گزارش یا یادداشت می‌کنیم. و یا این که ویس بفرستید؛ در تلگرام یا جاهای دیگر، فقط یک ویس بفرستید، ما آن را پیاده می‌کنیم و در قالب یادداشت منتشر می‌کنیم.

او اظهار کرد: در نهایت، ۱۷ پاسخ داشتیم. البته عزیزانی هم بودند که حتی پیش از ما، به این رسالت ذاتی اندیشکده خودشان واقف بودند و در آن زمینه کنش‌گری کرده بودند. بعضی از این دوستان الان اینجا حضور دارند و ما در خدمتشان هستیم؛ خیلی هم از آن‌ها ممنونیم بابت این که در فضای تخصصی خودشان وارد عمل شدند.

این ۱۷ مورد را ما در یک گروه منتشر کردیم و در معرض نقد گذاشتیم. البته نقد خاصی صورت نگرفت؛ گفت‌وگوی متقابلی در خود گروه انجام نشد. چرا، بعضی از متن‌ها که در گروه‌های دیگر فورواردها می‌شد، گفتگوهای حول آن‌ها شکل می‌گرفت، ولی در خود گروه خیر.

ولی برای ما مهم بود که اندیشکده‌هایی که به دعوت ما پاسخ ندادند، خودشان از جای دیگری این فضا را ادامه دادند و همین مهم بود که این اتفاق افتاد.

وی در پایان سخنانش گفت: دولت حتماً نیاز دارد، مخصوصاً حالا که ما در فضای

آتش بس هستیم و همه شما عزیزان بهتر از من می‌دانید ● شکاف‌های هر لحظه ممکن است این آتش بس شکسته شود و تبادل آتش بین ما و رژیم غاصب دوباره آغاز شود. و مشخص هم نیست که اگر شروع شود، کی تمام خواهد شد. از نظر

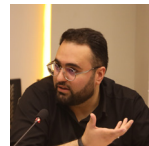
● شکاف‌های اجتماعی شدید در ایران، تحلیل‌های یکپارچه و دقیق را دشوار کرده است.

ماکی تمام می‌شود؟ از نظر آن‌ها کی تمام می‌شود؟ اگر ادامه پیدا کند، کشور ما آسیب‌های زیادی خواهد دید.

این وظیفه اندیشکده‌هاست که از حالا به این مسائل بپردازند، دولت را آگاه کنند و برای آن‌ها راه‌حل‌هایی آماده داشته باشند؛ راه‌حل‌هایی که آماده روی میز باشند.



روایت‌سازی جنگ؛ شفافیت کلید آرامش روانی جامعه



امیر مهدی‌زاده
اندیشکده سامان

یک نکته‌ای که حالا در این دو هفته خیلی با آن درگیر بودیم، این است که ما روایتی از جنگ در کشور نداریم که بخواهد مردم را حول خودش جمع کند. یعنی مثلاً شما می‌بینید در بعد نظامی، ما هنوز نمی‌دانیم چه اتفاقی دارد می‌افتد. مردم تشنه‌اند بدانند چه می‌گذرد، ما چه کار می‌کنیم؛ اما خیلی جسته‌و‌گریخته و محدود گزارش‌هایی داده می‌شود. یعنی روایت نیست، بیشتر گزارش‌دهی است. در حالی که گزارش‌دهی با روایت خیلی فرق دارد. طبیعتاً در بعد امنیتی هم مردم هنوز نمی‌دانند چه اتفاقی دارد می‌افتد و این، اضطراب و التهاب جامعه را زیاد می‌کند. شاید اگر روایتی وجود داشته باشد، کمک کند. اینکه فقط دو سخنگو بگذاریم سخنگوی ستاد کل و سخنگوی قرارگاه واقعاً کفایت نمی‌کند. این کار یک تصویر و یک روایت منسجم می‌طلبد از اینکه دقیقاً چه اتفاقی افتاده است.

او گفت: نکته بعدی که شاید خیلی مهم‌تر باشد و باید به آن فکر کنیم این است که سیر ترورهای هسته‌ای ما دارد به کجا می‌رود و چه پیامدی برای جامعه دارد. چون روایتی نیست و فشار زیادی دارد وارد می‌شود. به نظر می‌رسد این ترورها از آدم‌های اصلی و کلیدی پروژه‌های هسته‌ای شروع شده، و حالا روایت ترور دارد می‌رسد به دانشمندان آکادمیک دانشگاهی که ظاهراً فاصله‌ای با آن افراد کلیدی دارند. احتمالاً گام بعدی این خواهد بود که دانشجویان نخبه‌ای که در حوزه‌های تخصصی مثلاً هسته‌ای کار می‌کنند، مورد تهدید قرار گیرند. یعنی این روایت می‌تواند کم‌کم در

جامعه شکل بگیرد و برای نظام دانشگاهی کشور مشکل ساز شود. حالا برخی بحث‌های دیگر هم مطرح شده که به لحاظ نظامی بوده و من هم نه سوادش را دارم و نه تصویر دقیقی از آن. مثلاً دعوتهایی بوده درباره اینکه آیا می‌شود جنگ را پله پله بالا برد یا نه؛ یعنی اول بگذاریم هزینه بدهیم که بازدارندگی ایجاد شود یا اینکه ناگهانی ببریم بالا. طبیعتاً نکاتی وجود دارد که من چون فنی نظامی بلد نیستم، از آن عبور می‌کنم.

وی در ادامه افزود: نکته بعدی این است که به لحاظ استراتژیک، احتمالاً ما خیلی نمی‌توانیم به شهر تکیه کنیم؛ چون به لحاظ موقعیت جغرافیایی، ایران ضعیف یا تجزیه شده برای سایر کشورها مطلوب‌تر است. ولی ایران قوی که بخواهد تنگه ببندد، در منطقه حرفی برای گفتن داشته باشد، و جهت دهی کند به متغیرهای کلان اقتصادی، سیاسی و امنیتی دنیا احتمالاً مطلوب نیست. لذا این را باید با همه جوانبش ببینیم. من به عنوان کسی که تا حدی پیگیر فضای مذاکرات و اقدامات وزارت خارجه بوده‌ام، می‌گویم که ما هیچ تصویری نداریم که وزارت خارجه چه کاری می‌کند. جز مذاکره، ما چیزی نمی‌بینیم. مثلاً یک سری سفیر هم هستند که می‌روند آنجا، پاسپورت صادر می‌کنند، روایت می‌دهند، ثبت شناسنامه و ازدواج ایرانیان خارج از کشور را انجام می‌دهند. یعنی ما نمی‌دانیم وزارت خارجه دقیقاً به چه دردی می‌خورد. خود وزارت خارجه هم انگار نمی‌داند دارد چه کار می‌کند. فقط در حوزه مذاکرات هسته‌ای می‌بینیم که وزارت خارجه وجود دارد؛ یا محکوم می‌کند، یا بیانیه می‌دهد. واقعاً برای مردم مشخص نیست وزارت خارجه چه می‌کند.

او اظهار داشت: ما همچنان اعوجاج در حکمرانی داریم. مثلاً من نمی‌فهمم چرا باید متروی تهران در این ایام رایگان شود یا طرح ترافیک برداشته شود. در حالی که دولت بودجه ندارد و حتی نیازمند پول برای بازسازی و توسعه خدمات است، می‌آید

و یک سری خدمات را رایگان می‌کند! سر برج، کلی کارمند باید ● سیر ترورهای حقوق بگیرند. این تصمیمات واقعاً عجیب است. نمی‌دانم هسته‌ای ما دارد قرار است چه چیزی را عادی جلوه دهند؟ زندگی برگشته؟ به کجا می‌رود و زندگی با صرف هزینه برمی‌گردد؛ نه با رایگان کردن همه چیز. چه پیامدی برای وقتی همه چیز را رایگان می‌کنید، مردم احساس ناامنی جامعه دارد. بیشتری می‌کنند. این یعنی تصویر همچنان مشوشی از اینکه

«زندگی کردن یعنی چه؟» روایتی از جنگ وجود ندارد و از طرف دیگر هم داریم به بودجه فشار می‌آوریم. در مورد بودجه، ما همچنان در وضعیت بدی هستیم. آن قدر اوضاع خراب است که نمی‌توانیم انعطاف در بودجه نظامی‌مان داشته باشیم.

وی در ادامه گفت: پیشنهادهایی هم هست برای افزایش بودجه نظامی، محدود، زمان‌بر و کم‌اثربند. بار عمده بودجه نظامی روی دوش دولت است و چاره‌ای هم نداریم. اما وقتی می‌گوییم باید بودجه را تأمین کنیم، باید هزینه‌های زائد را کم کنیم. درحالی‌که هزینه‌های جاری‌مان مثلاً ۸۰ درصد رشد کرده و این، دست دولت را برای افزایش بودجه نظامی می‌بندد. این‌ها تصمیماتی هستند که وقتی در شرایط صلح و ثبات گرفته نمی‌شوند، در بحران‌ها خودشان را نشان می‌دهند و راه را می‌بندند. اینجا باید یک تصمیم سیاسی گرفته شود: آیا می‌خواهیم به یک سری اصلاحات تن بدهیم یا نه؟ اگر نه، باید تضعیف بنیه نظامی در آینده را بپذیریم. مثلاً در میانه جنگ، یهو وزیر دفاع اعلام می‌کند می‌خواهیم ۳۵ جنگنده بخریم!

او با تأکید بر اهمیت روایت بیان داشت: باز هم مسئله روایت است. تصویری که الان از دکتربین نظامی‌مان هست این است که یک دفعه تصمیم گرفته شده که جنگنده بخریم؛ یعنی به دیوار خورده‌ایم و حالا می‌خواهیم از آن عبور کنیم. این تصویر تلخی است از نیروهای مسلح، اگر قرار باشد همین‌طور بماند. حداقل باید بگوییم که این روایت از جایی آمده؛ نه اینکه مردم جسته‌وگریخته بشنوند یا چیزی ببینند. نکته بعدی درباره نیازمندی‌هاست. ما نیاز داریم اتحادی که در این جنگ شکل گرفت را حفظ کنیم. نمی‌دانم چطور و با چه منطقی. اما اندیشکده‌های سیاسی، آن‌هایی که در حوزه مشارکت و نظامی کار می‌کنند، اگر اصلاحات باید فکر کنند که چطور این اتحاد را حفظ کنیم. مثلاً اگر وزیر امور خارجه را ببریم در صداوسیما و مدام فشار بیاوریم که چرا مذاکره می‌کنید؟ فکر نمی‌کنم منجر به حفظ وحدت شود. ● اگر اصلاحات سیاسی نکنیم، باید تضعیف قدرت نظامی در آینده را بپذیریم.

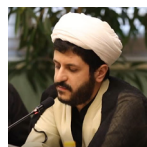
او در پایان گفت: احتمالاً دوگانه‌هایی را ایجاد می‌کند که جامعه را دچار تعارض و تضاد می‌کند. از طرف دیگر، تهش در رسانه‌مان به این نتیجه می‌رسیم که آقا، قانون جنگل حاکم است و زورمان به آمریکا نمی‌رسد. بعد هم دعوت به اخلاق می‌کنیم که قوانین را رعایت کنیم! وقتی قانون جنگل حاکم است، باید بگوییم برو قوی شو، نه اینکه فقط موعظه کنیم. در نهایت، جمع‌بندی کنم با دو نکته: اندیشکده‌ها باید

بتوانند نظام بازخوردگیری در کشور راه بیندازند. ما تقریباً چنین سیستمی نداریم یا حداقل حس نمی‌کنیم که هست. حرفی تولید می‌شود، وارد دستگاه اجرایی می‌شود، اما به دیوار می‌خورد و باز نمی‌گردد. بازخورد دادن به سیستم سخت است. ما باید به جایی برسیم که اندیشکده‌ها بدنه کارشناسی را اقناع کنند. چون این بدنه کارشناسی است که دارد کار انجام می‌دهد. اما الان نفرات اصلی در وزارتخانه‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند وزارتخانه‌ای کاری بکند یا نه این وضعیت خطرناک است و می‌تواند به بی‌انفعالی منجر شود. دیگر آنکه احساس می‌کنم همچنان اندیشکده‌ها نتوانسته‌اند حس کنند که باید در ریل تخصصی خودشان بمانند. بعضاً برگشته‌اند به حوزه‌هایی که به آن‌ها مربوط نیست — مثل حوزه نظامی یا سیاسی. درحالی‌که ارتباطی با آن‌ها ندارند.



اندیشکده‌ها باید سناریوهای منفی را جدی بگیرند و برای بحران آماده شوند

امیر مهدی منافی
اندیشکده سرا



در شرایطی که جامعه با بحرانی همه‌جانبه مواجه شد، بسیاری از نهادهای فکری و مدنی نتوانستند عملکرد مؤثری از خود نشان دهند. نه تنها از لحاظ آمادگی، بلکه در سازمان‌دهی، پاسخگویی و تعامل میان‌نهادی نیز ضعف‌های جدی دیده شد. مجموعه‌ای از تجربیات اخیر حاکی از آن است که نظام اندیشگی کشور از جنبه‌های مختلفی دچار ناکارآمدی است. به جای مواجهه فعال، بسیاری از نهادهای فکری یا در شوک ماندند یا صرفاً تماشا کردند. تلاش برای واکنش به بحران، به‌ویژه از سوی نهادهای مذهبی یا جامعه مدنی، نه تنها سازمان‌یافته نبود بلکه نشانه‌ای از فقدان آمادگی و برنامه‌ریزی راهبردی داشت. حتی ساده‌ترین اقدامات نمادین، مانند فراخوان برای دعا یا همراهی روانی، نیز از سوی برخی نهادها انجام نشد؛ آن هم در حالی که ارتباط با مردم و حفظ سرمایه اجتماعی باید در اولویت قرار می‌گرفت. پراکندگی، بی‌برنامگی و نبود هماهنگی، تصویری واضح از وضعیتی بود که در آن نهادهای کنشگر مدنی و فکری نتوانستند نقشی مؤثر ایفا کنند.

او گفت: نهادهای اندیشه‌ورز، که از آن‌ها انتظار می‌رود در چنین بزنگاه‌هایی نقش هدایت‌گریفا کنند، دچار غافلگیری شدند. در حالی که برخی از سیاست‌مداران نیز به شکلی مشابه غافلگیر شده بودند، انتظار می‌رفت اندیشکده‌ها به دلیل مأموریت تحلیلی خود، آمادگی بیشتری داشته باشند. با این حال، نه تنها واکنشی مؤثر شکل نگرفت، بلکه زیرساخت‌های ارتباطی و تعامل میان اندیشکده‌ها نیز ناکارآمد بود. حتی در حوزه‌هایی که اندیشکده‌های تخصصی حضور دارند، سازوکاری برای تعامل، تقسیم کار و واکنش مشترک تعریف نشده بود. این وضعیت نشان می‌دهد که در

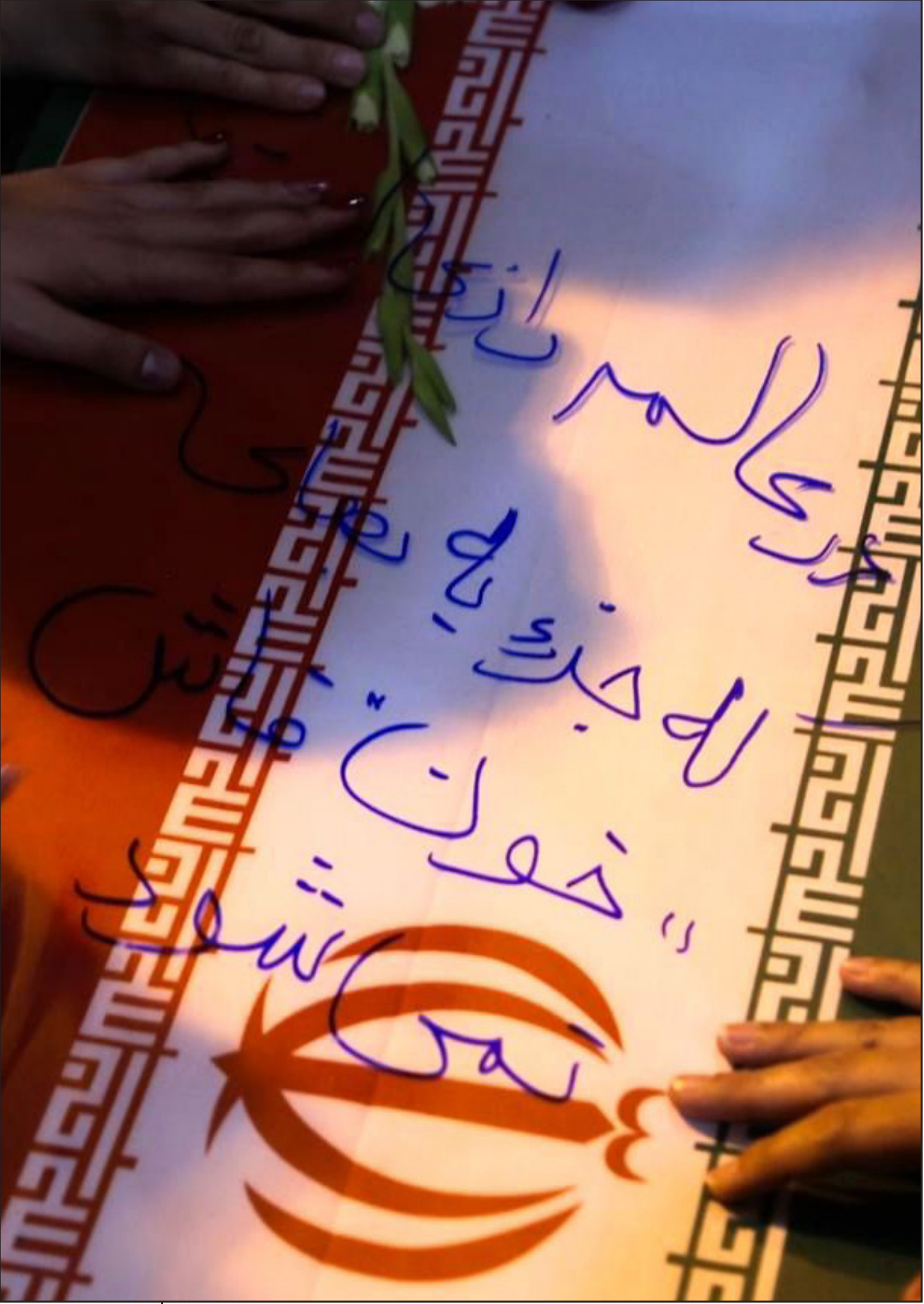
سطح ملی، انسجام فکری و کنش جمعی اندیشکده‌ها وجود ندارد. فقدان تشکل، صنف یا حداقل شبکه همکاری میان اندیشکده‌ها باعث شد که در شرایط بحرانی، حتی هماهنگی‌های ساده نیز ممکن نباشد. در غیاب این همکاری، تلاش‌ها پراکنده، انفرادی و در بسیاری از موارد بی‌اثر باقی ماند.

وی در ادامه بیان داشت: با نگاه به آینده، ضروری است که سناریوهای منفی نیز به صورت جدی در دستور کار اندیشکده‌ها قرار گیرد. برنامه‌ریزی تنها بر اساس خوش‌بینی و امید، بدون در نظر گرفتن سناریوهای بدبینانه، نوعی ساده‌انگاری خطرناک است. باید فرض گرفت که شاید هیچ بازنگری یا اصلاحی رخ ندهد؛ در چنین حالتی، وظیفه نهادهای فکری چیست؟ چگونه باید با واقعیت مواجه شد و از دل آن تحلیل، پیشنهاد و اقدام استخراج کرد؟ مانند پزشکی که هنگام احیای قلبی همه سناریوها را در نظر می‌گیرد، اندیشکده‌ها نیز باید برای بدترین شرایط آماده باشند. از سوی دیگر، نهادهایی که سال‌هاست در عرصه اندیشه‌ورزی فعال‌اند، هنوز نتوانسته‌اند حتی حداقلی از ساختار مشترک برای همکاری شکل دهند. نبود نشست‌های تخصصی مشترک، غیبت تعاملات بین‌رشته‌ای، و بی‌برنامگی در واکنش به بحران‌ها، همگی گواهی بر فقدان بلوغ نهادی‌اند. این در حالی است که در زمان بحران، وجود همین ساختارهای ارتباطی می‌توانست زمینه‌ساز پاسخ‌گویی سریع‌تر و مؤثرتر شود.

او در پایان سخنانش گفت: نکته کلیدی دیگر، فقدان نقش‌آفرینی اندیشکده‌ها در سیاست‌گذاری است. آن‌چه مشاهده شد، فاصله زیاد بین اندیشه و تصمیم‌گیری بود. در واقع، اندیشه‌ها به تصمیمات سیاستی تبدیل نشدند، و حلقه اتصال میان تحلیل و اقدام گسسته باقی ماند. در بسیاری از موارد، خلا سیاست‌گذاری و آشفتگی تصمیمات ناشی از همین ضعف در اتصال اندیشکده‌ها با فرایند حکمرانی است. در جمع‌بندی، به جای بازتولید روایت‌های موفقیت، بهتر است به بررسی ناکامی‌ها پرداخت. باید صریح و دقیق نوشت که چرا بسیاری از نهادهای فکری در بحران ناکام ماندند و چه باید کرد تا این شکست در آینده تکرار نشود. به جای توجیه یا خوش‌بینی‌های بی‌پایه،

نیازمند آسیب‌شناسی جدی، گزارش‌نویسی تحلیلی و تولید راهکارهای عملی هستیم. این امر، مسئولیت مشترک همه آن‌هایی است که داعیه کنشگری در عرصه اندیشه و سیاست دارند.

● اگر اصلاحات سیاسی نکنیم، باید تضعیف قدرت نظامی در آینده را بپذیریم.



کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

اندیشکده‌ها ضرورت پروژه‌های کلان را نقد و راهکارهای ناترازی بودجه ارائه دهند



محمد رضا حدادی

اندیشکده حکمرانی بهره‌وری

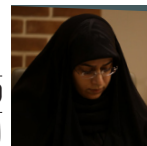
تحلیل من از جنگ ۱۲ روزه این است که در نهایت سه گروه را تحت تأثیر قرار داد. نخست نیروهای مسلح که با یک غافلگیری غیرقابل قبول مواجه شدند اما در همان شرایط توانستند به سرعت خود را بازیابی کنند و پاسخ‌های بسیار قاطعی به دشمن برنامه‌ریز بدهند. دوم مردم و جامعه که به نظر من توده مردم و جامعه مدیریت بسیار خوبی نشان دادند، برنامه‌ریزی کردند و توانستند این ۱۲ روز را پشت سر بگذارند. سوم خبرگان سیاسی و اقتصادی شامل اندیشکده‌ها، جامعه علمی کشور و مهندسين مشاور که متأسفانه غافلگیر شدند و نتوانستند آنطور که باید عمل کنند. ما همیشه انتظار داریم روایت اول را بیان کنیم اما حقیقت این است که روایت اول گفتنی نیست، ساختنی است. برای ساختن روایت اول باید سناریو داشته باشیم. کسی که سناریو دارد و برنامه‌ریزی می‌کند قطعاً می‌تواند روایت اول را بیان کند. اندیشکده‌های ما در مقایسه با اندیشکده‌های آمریکایی و رژیم صهیونیستی عقب‌تر هستند. آن‌ها به نیروهای مسلح، جامعه و سیاستمداران نشان برنامه می‌دهند.

او افزود: دو وظیفه اصلی اندیشکده‌ها سیاست‌گذاری و مشارکت در اجرای سیاست‌گذاری است که حتی مهم‌تر است. در حوزه سیاست‌گذاری حرکت‌های خوبی شروع شده اما مشکل اصلی عدم مشارکت اندیشکده‌ها در اجراست. این خلأ بزرگی است که باید روی آن کار کنیم. اندیشکده‌ها باید در اجرا سهیم باشند

چون ما مشکل جدی در اجرا داریم. تهدید مهمی که شناسایی کرده‌ام این است که اندیشه‌های اقتصادی ما که باید روی جنگ اقتصادی تمرکز کنند به جای آن وارد تحلیل‌های سیاسی و نظامی می‌شوند. این باعث می‌شود انرژی آن‌ها گرفته شود و به تکرار بی‌حاصل روایت‌ها بینجامد. مثلاً می‌بینیم صداوسیما یا بزرگان هفته‌ها یک روایت واحد را تکرار می‌کنند. این درجا زدن است و باید از آن عبور کنیم. ورود اندیشه‌های اقتصادی به تحلیل‌های صرفاً نظامی جایگاه مناسبی ندارد. هرکس باید اثرات نظامی را در تحلیل‌های اقتصادی خود بسنجد نه اینکه جای نیروی نظامی تحلیل کند. این خطای راهبردی است. اندیشه‌ها آنقدر در حوزه جنگ اقتصادی مطلب دارند که می‌توانند مطالبه‌گر باشند و آرایش دفاعی مناسب در شرایط جنگی اقتصادی ایجاد کنند. برای اندیشه‌های بهره‌وری امیرکبیر با محوریت حکمرانی بهره‌وری موضوع حیاتی این است که در برنامه هفتم توسعه ۳۵ درصد از رشد اقتصادی ۸ درصدی از محل ارتقای بهره‌وری پیش‌بینی شده. وی در ادامه گفت: اما در شرایط جنگ اقتصادی فعلی باید بازنگری کنیم. به نظر من این ۳۵ درصد محقق نخواهد شد چون در سال اول اقدامات مؤثری برای ذخیره‌سازی منابع انجام نشد. باید سهم رشد اقتصادی از محل بهره‌وری را به بالای ۵۰ درصد برسانیم. بحث سرمایه‌گذاری خارجی در شرایط فعلی بیشتر شعار است. کار کلیدی اندیشه‌ها تمرکز بر حوزه تخصصی خود یعنی افزایش بهره‌وری برای کمک به نیروهای نظامی و اقتصاد کشور است. الان وزارتخانه‌های زیادی پروژه‌های عظیم ۲، ۵ یا حتی ۱۷ میلیارد دلاری تعریف می‌کنند درحالی که مطالعات بعضاً مربوط به ۳۰ سال گذشته است. هر دولتی اصرار دارد این پروژه‌ها را ادامه دهد. همه فقط به فکر تأمین منابع هستند و هیچکس به چرایی پروژه‌ها نمی‌اندیشد. اندیشه‌ها می‌توانند انرژی خود را بر بررسی ضرورت این پروژه‌ها متمرکز کنند. در بحث چگونگی مشکلی نداریم اما در چرایی می‌توانیم به دولت کمک کنیم. همچنین می‌توانند برای عبور از بحران ناترازی بودجه راهکار ارائه دهند.

● اندیشه‌ها باید بر جنگ اقتصادی و بهره‌وری تمرکز کنند، نه تحلیل نظامی.

اندیشکده‌ها باید ضعف سازماندهی را برطرف کنند و هماهنگ عمل کنند



فاطمه سادات رحمتی

اندیشکده مه‌اد

در مواجهه با بحران‌های اخیر، روشن شد که اندیشگاه‌ها و نهادهای فکری هنوز نتوانسته‌اند نقش راهبردی و عملیاتی خود را به‌درستی ایفا کنند. مهم‌ترین کارکرد این نهادها در شرایط بحرانی، تولید تحلیل و سناریوهای تخصصی برای کمک به تصمیم‌سازی بدنه اجرایی کشور است. با این حال، ضعف در سازماندهی، پراکندگی منابع و نبود سازوکارهای هماهنگ باعث شد ظرفیت‌های موجود به‌درستی فعال نشوند. در برخی حوزه‌ها اقدامات اولیه و مفیدی انجام شد. به‌عنوان نمونه، در حوزه انرژی، اندیشکده‌ای با همکاری دیسپاچینگ، سناریوهایی برای از دست رفتن بخشی از ظرفیت گاز طراحی کرد که خوشبختانه با سیستم‌های موجود مطابقت داشت. سناریوی از دست دادن ۵۰ درصد بنزین نیز، به سفارش مجمع تشخیص، تهیه و ارائه شد. همچنین در حوزه شهرسازی و پروژه‌های وزارت راه، مجموعه‌ای از تحلیل‌ها و پیشنهادهای در تعامل با یکی از نهادهای نظامی تدوین گردید. در حوزه جنگ الکترونیک نیز پاسخی تخصصی ظرف کمتر از ۲۴ ساعت آماده شد.

او در ادامه گفت: با وجود این اقدامات، باید اذعان کرد که این فعالیت‌ها محدود، موردی و مبتنی بر توان اندک برخی اندیشگاه‌ها بوده است. جلسه‌ای که در روز سوم جنگ با مشارکت چند اندیشکده زیرمجموعه بنیاد توسعه فردا تشکیل شد، گرچه مثبت بود، اما از نظر دامنه و تأثیرگذاری، بسیار محدود باقی ماند. یادداشت‌هایی در حوزه انرژی و شهرسازی تهیه شد، اما فقدان انسجام ملی میان اندیشکده‌ها و نبود ساختار توزیع مأموریت، امکان بهره‌برداری حداکثری از این ظرفیت‌ها را از بین برد. ضرورت شکل‌گیری ساختارهای هماهنگ، با تقسیم مسئولیت میان اندیشگاه‌های

● تحلیل و سناریوسازی تخصصی، مهم‌ترین رسالت اندیشکده‌ها در بحران‌هاست.

تخصصی، کاملاً محسوس است. مثلاً اندیشکده‌ای که در حوزه نظام اداری تخصص دارد، باید بتواند برای همراستاسازی نهادهای اجرایی با الزامات شرایط بحرانی نقش‌آفرینی کند. همچنین، لازم است سناریوهایی با افق‌های زمانی یک‌ساله، پنج‌ساله و ده‌ساله طراحی شوند تا از حالت واکنشی به وضعیت‌های پیش‌بینی‌پذیر و آماده‌شده منتقل شویم.

وی افزود: اندیشگاه‌ها باید تحلیل ناپایداری منابع در حوزه‌های کلیدی، طراحی الگوهای حکمرانی اضطراری، مقاومت اجتماعی و اقتصاد جنگی را در دستور کار قرار دهند. این تحلیل‌ها نه تنها باید برای تصمیم‌سازان ارسال شوند، بلکه باید در قالب‌های عمومی‌تر منتشر شوند تا اثرگذاری رسانه‌ای و اجتماعی داشته باشند. تولید محتوایی که در عین دقت تحلیلی، بتواند «تریگر حاکمیت» باشد و آن را وادار به توجه به مسائل کند، امری ضروری است. یکی از چالش‌های اساسی کشور، ضعف شدید در تاب‌آوری است. در مقایسه با جوامعی مانند اسرائیل که شهروندانش با آرامش با حملات موشکی و پناهگاه‌نشینی مواجه می‌شوند، جامعه ما از آمادگی روانی و زیرساختی لازم برخوردار نیست. در بحران اخیر، فقدان تصویر روشن از سناریوهای بد موجب ناآرامی و سردرگمی عمومی شد.

او در ادامه گفت: در ابعاد اجرایی نیز کاستی‌های بزرگی دیده شد. به عنوان مثال، مشخص نیست آیا ایستگاه‌های متروی تهران که به عنوان پناهگاه در نظر گرفته شده‌اند، حتی حداقل زیرساخت‌هایی مانند سرویس بهداشتی دارند یا خیر. اندیهمچنین، در حالی که دولت به سرعت بدنه خود را تعطیل و برای عائله خود تصمیم‌گیری کرد، درباره بخش خصوصی هیچ تدبیری اندیشیده نشد. پرداخت حقوق‌ها فقط تا قبل از شروع بحران انجام شد و پس از آن، ادامه کار، وضعیت روانی کارکنان و دوام اقتصادی بنگاه‌ها در هاله‌ای از ابهام باقی ماند. در مجموع، فقدان آمادگی، ضعف در ساختارهای هماهنگ، نبود سناریونویسی واقع‌گرایانه و کم‌توجهی به تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی، از مهم‌ترین نقاط ضعف سیستم فکری کشور در مواجهه با بحران بود. برای اصلاح این وضعیت، اندیشگاه‌ها باید از حالت واکنشی خارج شوند، شبکه‌ای مؤثر برای همکاری متقابل ایجاد کنند و در کنار تحلیل‌های تخصصی، برای سناریوهای سخت و پیچیده، راه‌حل‌های اجرایی ارائه دهند.

داده‌های میدانی، تحلیل‌های دقیق عملیات‌ها را ممکن می‌سازد

شعیب بهمن

موسسه مطالعات جهان معاصر



در جریان تحولات اخیر، برخی نهادهای فکری اقدامات مشخص و عملی در راستای تحلیل، آینده‌پژوهی و حمایت فکری از سیاست‌گذاری در سطح ملی انجام داده‌اند. از نخستین ساعات آغاز بحران، تولید محتوای تخصصی با محوریت سناریوهای جنگ، توسعه احتمالی آن، و پایان‌های ممکن، آغاز شد. این محتواها در قالب نشریه‌ای روزانه تحت عنوان چشم‌انداز منتشر شدند که تا امروز ۱۷ شماره از آن تهیه و به تدریج در وبسایت مؤسسه بارگذاری شده است. در کنار این فعالیت محتوایی، تلاش شده تا ارتباط مؤثر با جامعه عمومی‌تر نیز حفظ شود. به همین منظور، کانال‌هایی در پلتفرم‌هایی نظیر تلگرام و ایتا راه‌اندازی شد تا تحلیل‌های به‌روز و دقیق در اختیار مخاطبان علاقه‌مند قرار گیرد. در همین راستا، کانال «فراسیست» نیز برای ارائه تحلیل‌های سریع و هماهنگ با تحولات روز راه‌اندازی شده است.

او در ادامه افزود: از جمله اقدامات ابتکاری که توسط یکی از اندیشگاه‌ها پیاده‌سازی شد، طرح دعوت از ایرانیان خارج از کشور برای برگزاری تجمعات حمایتی از ایران بود. این طرح، نخستین بار در سطح رسمی از سوی این مؤسسه مطرح و اجرایی شد و با استقبال خوبی مواجه گردید. علاوه بر این، طرح ابتکاری دیگری در حوزه پرونده هسته‌ای کشور طراحی شده که انتظار می‌رود طی روزهای آینده منتشر شود. همکاری نزدیک با رسانه‌ها نیز از دیگر محورهای فعالیت اندیشگاه‌ها بوده است. این همکاری‌ها هم در قالب تنظیم سیاست‌های رسانه‌ای و هم در معرفی کارشناسان خبره به رسانه‌هایی نظیر صدا و سیما صورت گرفته است. در عین حال،

ارتباط مؤثری نیز با نیروهای میدانی برقرار شد، به گونه‌ای که هم اطلاعات میدانی به شکل دقیق و سریع دریافت شد و هم تحلیل‌های تهیه شده برای کمک به تصمیم‌گیری به موقع به میدانی‌ها منتقل گردید.

وی گفت: در حوزه اطلاعات میدانی، قابلیت ویژه‌ای در این دوره شکل گرفته است. برای نمونه، داده‌های دقیق درباره حمله آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران، تفاوت زیادی با روایت‌های رسانه‌ای رسمی دارد. همچنین، جزئیاتی از حادثه حریق برای نفتکش آمریکایی در تنگه هرمز و نتایج عملیات‌های ایران در میدان، در اختیار این اندیشگاه قرار گرفته است که می‌تواند مبنای تحلیل دقیق‌تری برای سایر نهادها باشد. پیشنهاد شده است که در صورت نیاز، بخشی از این اطلاعات برای تحلیل‌گران و اندیشکده‌های دیگر نیز قابل دسترسی قرار گیرد. در کنار این فعالیت‌ها، چند پیشنهاد راهبردی برای آینده مطرح شده است. نخست، ضرورت افزایش نقش اندیشکده‌ها در فرایند سیاست‌گذاری مورد تأکید است. بسیاری از تحولات اخیر پیش‌بینی شده بودند و تحلیل‌هایی درباره آن‌ها در گذشته منتشر شده بود، اما به دلایل ساختاری، نقش نهادهای فکری در نظام تصمیم‌سازی هنوز کم‌رنگ است.

او در انتها بیان داشت: پیشنهاد دوم، تهیه بیانیه‌ای مشترک از سوی اندیشکده‌ها برای حمایت تحلیلی و سیاسی از تمامیت ارضی کشور است. در ابتدای بحران، صدور چنین بیانیه‌ای می‌توانست نقش مهمی در همبستگی فکری و جلب افکار عمومی ایفا کند؛ با این حال، هنوز هم برای انجام این اقدام دیر نشده و می‌توان با هماهنگی جمعی، چنین بیانیه‌ای را صادر کرد. پیشنهاد سوم، انجام یک ارزیابی واقعی از جنگ است. در فضای رسانه‌ای و سیاسی کنونی، غالباً بر پیروزی‌ها تأکید می‌شود، در حالی که چنین نگاهی ممکن است مانع از دیدن ضعف‌ها و اصلاح ساختارها شود. ارزیابی واقع‌بینانه، شرط لازم برای بهبود عملکرد در بحران‌های آتی است. در نهایت، تقویت همبستگی ملی به عنوان یک مأموریت راهبردی برای اندیشکده‌ها مطرح شده است. با توجه به سناریوهایی که احتمالاً در آینده توسط دشمن دنبال خواهد شد، به ویژه در حوزه‌های امنیتی و ایجاد اغتشاش، اندیشکده‌ها باید ظرفیت خود را برای ارائه راهکارهایی جهت حفظ انسجام داخلی، افزایش اعتماد عمومی و مقابله با فشارهای اجتماعی به کار گیرند.

کشور متولی ای برای ایجاد احساس امنیت نداشت

حجت میان آبادی

اندیشکده رستار



امنیت در شرایط جنگی به عنوان کلیدواژه اصلی کشور مطرح است، اما تعاریف و برداشت‌ها از مفهوم امنیت تفاوت‌های مهمی دارد. به طور کلی، امنیت را می‌توان تعادل بین آسیب و تهدید تعریف کرد؛ ولی در نظریه‌های نوین امنیت، این مفهوم دو بعد عینی و ذهنی (احساس امنیت) دارد. اهمیت بعد ذهنی امنیت در برخی موارد حتی بیشتر از بعد عینی آن است، چرا که دشمن در برنامه‌ریزی‌های خود سرمایه‌گذاری کلانی روی ایجاد حس ناامنی و اضطراب در میان مردم انجام داده است. این ناامنی ذهنی مکمل ناامنی عینی است و به وسیله انتشار اخبار جعلی، تبلیغات هراسان و ایجاد تردیدهای فراگیر در جامعه دنبال شده است.

او بیان داشت: متأسفانه در کشور، متولی مشخصی برای مدیریت ایجاد احساس امنیت وجود نداشته و ندارد. به عنوان مثال، در رسانه ملی، شور حماسی دهه ۶۰ به جای ایجاد احساس امنیت حقیقی، معادل آن تلقی شده که این رویکرد ناکارآمد است و موجب گمراهی در مدیریت بحران شده است. این خلاها باعث شده‌اند که دشمن بتواند روی احساس ناامنی عمومی تأثیر بگذارد. در حوزه تخصصی هیدروپولیتیک و امنیت آب نیز، این دو بعد امنیت به صورت ملموس و جدی دیده می‌شوند. یکی از مسائل اصلی، دستکاری معیارهای امنیتی در این حوزه است که طی دهه‌های اخیر به طور برنامه‌ریزی شده صورت گرفته است. این دستکاری شامل «امنیت‌زدایی از مسائل امنیتی واقعی» و «امنیتی‌سازی مسائل غیر امنیتی» است که در حوزه آب به وضوح مشهود است و سبب تغییر اولویت‌ها شده است. این

روند موجب شده است که چالش‌های واقعی در زیرساخت‌ها و منابع آبی کشور نادیده گرفته شود یا کم‌اهمیت جلوه داده شود. جمله مشهور در هیدروپولیتیک «جنگ، جنگ، روایت‌هاست» اهمیت ویژه روایت‌گری در این حوزه را نشان می‌دهد. در زمینه آب نیز هر طرفی که روایت قوی‌تری داشته باشد، برنده رقابت خواهد بود. متأسفانه، در فضای جنگی فعلی، مسئله روایت‌گری و ایجاد احساس امنیت در حوزه آب بدون متولی رها شده است.

وی افزود: با توجه به شرایط کنونی کشور، مهم‌ترین نگرانی در حوزه امنیت آب شامل دو موضوع اساسی است: نخست حملات نظامی هدفمند به زیرساخت‌های آب و ایجاد نارضایتی اجتماعی ناشی از کمبود آب شرب، که هدف آن تحریک شورش‌ها و آشوب‌های اجتماعی است. دوم، احتمال افزایش مناقشات آبی در میان گروه‌های قومی و تجزیه طلب است که با توجه به خشکسالی‌ها و ناترازی شدید منابع آب در سال جاری، این مسئله می‌تواند به بحرانی بزرگ تبدیل شود. البته تجربه زیست کشاورزی با تاکید بر بعد مذهبی نشان می‌دهد که احتمال درگیری بین استان‌ها و مردم بر سر آب به ویژه در بخش کشاورزی کمتر است؛ اما تمرکز اصلی دشمن بر تخریب منابع آبی به منظور ایجاد نارضایتی و شعله‌ور کردن شورش‌های اجتماعی است. در این چارچوب، مسئله پدافند و حفاظت از منابع آبی اهمیت ویژه‌ای دارد. پیشنهاد شده که اندیشکده‌ها و نهادهای مربوطه به طور جدی برنامه‌ریزی کنند تا زیرساخت‌های حیاتی آب، به ویژه در حوزه آب شرب، مورد حفاظت و بازسازی قرار گیرند.

او اظهار داشت: برای تحلیل بهتر شرایط جنگی و چالش‌های مرتبط با آب، ضرورت دارد که نگاه به مسئله آب به عنوان بخشی از پازل کلان جنگ و امنیت کشور باشد. تحلیل‌های جزیره‌ای و منفک از دیگر حوزه‌ها نمی‌تواند پاسخگوی واقعیت‌های پیچیده موجود باشد. لذا پیشنهاد شده است که شبکه‌ای از نهادها و اندیشکده‌ها با همکاری و هماهنگی، سناریوسازی و تحلیل جامع را در دستور کار قرار دهند. در این میان، دو رویکرد و سناریوی اصلی برای آینده مطرح است: سناریوی خوشبینانه و تهاجمی، که بر پایه توانایی‌ها و امکانات داخلی استوار است، و سناریوی بدبینانه که احتمال وقوع فروپاشی، تجزیه و یا تغییر رژیم را در بر دارد. متأسفانه، در حوزه سناریوسازی بدبینانه، عملکرد مناسبی تاکنون دیده نشده است و این خلأ می‌تواند

به دشمن فرصت سوءاستفاده بدهد.

وی در انتها گفت: بخش مهمی از این سناریوسازی‌ها باید بر ابزارها و عواملی تمرکز کند که دشمن در حوزه امنیت عینی و ذهنی به کار می‌برد. تحلیل دقیق این ابزارها و راهبردها در حوزه آب از اهمیت زیادی برخوردار است تا بتوان پیش‌بینی‌های راهبردی و تدابیر مقابله‌ای مناسبی را طراحی کرد. اندیشکده‌ها و مراکز پژوهشی باید با همفکری و همکاری بیشتر، این حوزه را به عنوان یکی از خطوط مقدم جنگ روایت‌ها و جنگ واقعی جدی بگیرند. ضرورت دارد همزمان با تلاش برای حفظ زیرساخت‌ها، روی ایجاد احساس امنیت در مردم و مدیریت روایت‌ها نیز کار شود تا زمینه‌های ناامنی ذهنی و اجتماعی کاهش یابد.



انرژی ما باید بر دغدغه حیاتی کشور متمرکز باشد

سعید ساسانیان

اندیشکده ابرار معاصر



در تحلیل نقش اندیشکده‌ها در مواجهه با پیچیدگی‌های امنیت ملی ایران، به‌ویژه در زمینه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، مساله‌ای کلیدی مطرح است: پیچیدگی‌زدایی. یک مقاله علمی منتشر شده در فصلنامه معتبر «اطلاعات و ضد اطلاعات» به بررسی دلایل موفقیت سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل در ایران پرداخته و یکی از عوامل اصلی را «تولید پیچیدگی» توسط این سرویس‌ها عنوان کرده است. به عبارت دیگر، دشمن به‌طور هدفمند با ایجاد پیچیدگی و ابهام در فضای امنیت ملی ایران، تصمیم‌گیرندگان را دچار سردرگمی کرده و موجب می‌شود فرصت‌ها و تهدیدها به درستی تشخیص داده نشوند و حتی دوست و دشمن به اشتباه شناسایی شوند. اندیشکده‌ها به‌ویژه در حوزه‌های مطالعات منطقه‌ای و سیاست خارجی نقش مهمی در شناسایی و تحلیل این پیچیدگی‌ها دارند. یکی از وظایف مهم آنها، توصیف دقیق شرایط موجود و تجویز راهکارهای مناسب برای سیاستگذاران است. این کار به سیاستگذاران کمک می‌کند تا پیچیدگی‌های محیط امنیتی را بهتر بشناسند و راه‌های مقابله با آن را بیابند.

او همچنین افزود: با توجه به تحولات اخیر و احساس مخاطره‌ای که درباره بقای جمهوری اسلامی و تمامیت ارضی کشور شکل گرفته، اهمیت ورود هوشمندان و متفاوت به مسائل امنیتی بیش از پیش نمایان شده است. نویسندگان بر این باور است که باید توجه به این احساس مخاطره را محور قرار داد و به جای پرداختن به اقدامات کند مانند تهیه پرسشنامه‌های سنجش تاب‌آوری، در فرصت کوتاه میان

مراحل جنگ به طور جدی این سنجش‌ها را انجام داد تا میزان تاب‌آوری جامعه و نهاده‌ها در برابر بحران‌ها به سرعت مشخص شود. یکی از مصادیق ضعف در عملکرد اندیشکده‌ها و نهادهای مرتبط، مسئله ارتباطات است. در روزهای قطع شدن اینترنت بین‌المللی و محدود شدن به اینترنت داخلی، بسیاری از کانال‌ها و شبکه‌های ارتباطی به شدت آسیب دیدند. در این شرایط، یکی از دغدغه‌ها، نبود برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری برای پشتیبانی از رسانه‌ها و کانال‌های ارتباطی جایگزین بود که بتوانند پیام‌های صحیح و تحلیل‌های به‌روز را به مخاطبان منتقل کنند. کانال‌های تلگرامی با تعداد اعضای محدود، هرچند فعالیت داشتند اما کافی نبودند و این نقص بزرگ باعث شد که نتوان اطلاعات مهم را به موقع و به شکل گسترده منتشر کرد.

وی در ادامه گفت: این مسئله، به نوعی نقطه ضعف کارکرد اندیشکده‌ها در روزهای حساس به شمار می‌رود. اندیشکده‌ها باید پیش از وقوع بحران و در شرایط آرامش به ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی قوی و مقاوم می‌پرداختند تا هنگام بروز جنگ یا بحران، بتوانند به سرعت واکنش نشان دهند و اطلاعات دقیق و قابل اعتماد را به جامعه و سیاستگذاران ارائه دهند. موضوع مهم دیگری که مطرح شده، عدم آمادگی لازم در دوران صلح برای مواجهه با بحران‌های جنگی است. همانطور که ارتش در دوره صلح نیروهای خود را آموزش می‌دهد تا در جنگ آماده باشند، نهادهای فکری و پژوهشی نیز باید در دوره‌های آرامش، پژوهش، آموزش و آماده‌سازی را انجام دهند تا در زمان جنگ یا بحران از توان کافی برخوردار باشند. اما به نظر می‌رسد در برخی موارد این آمادگی لازم شکل نگرفته و موجب شده که در روزهای حساس جنگ با چالش‌های جدی مواجه شویم.

او در انتها بیان داشت: ضمن تاکید بر آسیب‌شناسی ضعف‌ها و کمبودهای موجود، باید بر اهمیت بهره‌گیری از فرصت محدود میان مراحل جنگ برای ارتقاء تاب‌آوری، تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و تسریع در ارائه تحلیل‌های تخصصی تاکید کرد. باید به جای تلف کردن وقت در مباحث غیرضروری، انرژی و منابع خود را بر پاسخ به دغدغه‌های حیاتی کشور متمرکز کنیم و به طور عملی به تقویت نقش اندیشکده‌ها در تصمیم‌سازی و کمک به سیاستگذاران بپردازیم.

پژوهشگران پیامدهای روانی بحران‌ها را پیش‌بینی و مدیریت می‌کنند

مجتبی معصومی

مرکز تحیت



در دوران کرونا، تیم مشاوره‌ای ما به مدت نه ماه در بیمارستان‌های تهران فعالیت کرد و گزارشی به مسئولان ارائه دادیم که یکی از پیش‌بینی‌های مهم آن، افزایش خودکشی پساکرونا بود. این پیش‌بینی بعدها به واقعیت پیوست و سال بعد شاهد افزایش خودکشی در کشور بودیم. این تجربه نشان می‌دهد که بحران‌های اجتماعی، به ویژه شرایط جنگی، می‌توانند آسیب‌های روانی جدی ایجاد کنند. در شرایط جنگ، اضطراب و حس ناامنی که از پیام‌های رسانه‌ای درباره حمله دشمن و پاسخ متقابل ایجاد می‌شود، تأثیر زیادی روی تاب‌آوری افراد و جامعه دارد و کاهش تاب‌آوری می‌تواند افزایش خودکشی را به دنبال داشته باشد.

وی همچنین افزود: با آغاز جنگ، تیم ما تلاش کرد تا هر آنچه در توان داشت در زمینه جمع‌آوری داده‌های مرتبط با استرس، اضطراب، آرامش، حس امنیت، ارتباط اجتماعی و خودکارآمدی فردی و جمعی انجام دهد. این اقدام در شرایطی انجام شد که محدودیت‌هایی مانند قطع اینترنت و تعطیلی کتابخانه ملی وجود داشت، اما با وجود این مشکلات، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد و در قالب پادکست یا کلیپ آماده انتشار است. این فعالیت‌ها نمونه‌ای از کارهای عملی است که می‌تواند به درک بهتر شرایط روانی جامعه در زمان جنگ کمک کند و به ارتقای تاب‌آوری اجتماعی و فردی یاری رساند. این اقدامات نشان می‌دهد که پیش‌بینی و آماده‌سازی برای پیامدهای روانی بحران‌ها، بخشی حیاتی از مدیریت بحران‌های اجتماعی است که نباید نادیده گرفته شود.



محسن جعفری
اندیشکده پایا

برخورد خشن و غیرمنصفانه با اتباع باعث ایجاد نفرت اجتماعی شده است

اندیشکده ما در حوزه توسعه منطقه‌ای و محلی فعالیت می‌کند و سال‌هاست که روی مسئله حاشیه‌نشینی در کشور کار می‌کند؛ هم در عرصه نظری و هم در طرح‌های میدانی. در سال‌های ۹۷ و ۹۸ به این نتیجه رسیدیم که معضل حاشیه‌نشینی بخشی از زنجیره‌ای است که در نهایت فقر را تولید می‌کند. در واقع، حاشیه‌نشینی نتیجه‌ای از فرآیندهای تولید فقر هستند که باید برای مقابله با آن‌ها، نگاه توسعه‌ای خود را اصلاح کنیم. یکی از تغییرات اصلی که ما ایجاد کردیم، حرکت به سمت فناوری و انتقال دانش و فناوری‌های نرم و سخت به مناطق محروم بود، چون باور داریم توسعه واقعی با مولد شدن مناطق محروم امکان‌پذیر است. در شرایط فعلی و با وقوع جنگ، معتقدیم که اگر سیاستمداران توانسته بودند جنگ را کنترل کنند، بخش بزرگی از کار ما در مقابله با پیامدهای جنگ هم اثرگذارتر می‌شد. هدف اصلی باید ایجاد پشیمانی در طرف مقابل و پایان جنگ باشد. در غیر این صورت، هرکاری که پس از شروع جنگ انجام دهیم، تا حد زیادی ابتر و ناکارآمد خواهد بود. با این حال، ما پروژه‌ها و برنامه‌هایی برای مدیریت پیامدهای جنگ تعریف کرده‌ایم و در این مسیر فعالیت می‌کنیم.

او با اشاره به مسئله افغان‌ها بیان داشت: یکی از مسائل مهم کنونی، موضوع حضور اتباع خارجی، به خصوص افغان‌ها در کشور است که از ماه‌ها پیش مورد توجه بوده و اکنون در شرایط جنگی به عنوان ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های امنیتی استفاده می‌شود. سیاست اخراج غیرمجازها با شدت بیشتری دنبال می‌شود و این اتفاق از دیدگاه امنیتی مثبت ارزیابی می‌شود. با این حال، تجربه میدانی نشان

می‌دهد که برخوردهای خشن و غیرمنصفانه با افرادی که سال‌ها در ایران زندگی کرده‌اند، باعث ایجاد نفرت اجتماعی شده و این مسئله خود یک بحران جدید است. افرادی که در ایران به دنیا آمده‌اند و فرهنگ ایرانی دارند، حتی اگر جنگ فراگیر شود، می‌توانند در جبهه‌ها به عنوان رزمنده حضور داشته باشند؛ اما رفتارهای خشن و غیرحرفه‌ای نیروهای انتظامی، به ویژه در برخورد با اتباع خارجی و موضوعاتی مانند برخورد پلیس با زنان و جوانان، این ظرفیت را تهدید می‌کند. نیروهای انتظامی تحت فشارهای سنگین مالی و روانی قرار دارند؛ حقوق پایین و شرایط کاری سخت، باعث کاهش انگیزه و کارایی آنها شده است. نمونه‌ای از این وضعیت، گفته‌های یکی از سرهنگان پلیس است که از کمبود امکانات و حمایت‌ها گلایه می‌کند.

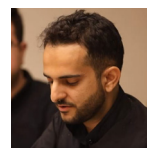
اندیشه‌ورزی در جنگ
اندیشکده‌های جنگ چه کردند؟

۴

خانه اندیشه‌ورزان - تابستان ۱۴۰۴



اندیشکده‌ها به نگاه حکمرانی یکپارچه نیاز دارند



مجتبی فرهنگ

اندیشکده حکمرانی فرهنگی

در فضای اندیشکده‌ای کشور، بررسی و آسیب‌شناسی عملکرد این نهادها در مواجهه با ابعاد مختلف جنگ بسیار ضروری است. نکته اول این است که اندیشکده‌ها تاکنون نتوانسته‌اند همه ابعاد جنگ را به شکل جامع و منسجم بررسی کنند و تقسیم‌کار دقیق میان آن‌ها شکل نگرفته است. جنگ امروزی پیچیدگی‌های متعددی دارد که شامل امنیت سایبری، نظامی، هوش مصنوعی، جنگ شناختی، جنگ روایت‌ها، جنگ شهری، دیپلماسی و حقوق بین‌الملل، جنگ اقتصادی، جهاد علمی و فناوری و حتی جنگ فرهنگی و هنری در سطح بین‌المللی می‌شود. این ابعاد متنوع نیازمند نگاه جامع و هماهنگ است، اما متأسفانه این همگرایی در کشور به خوبی شکل نگرفته است. یکی از چالش‌های مهم در حوزه فرهنگی و هنری، نبود تولیدات هنری قوی و تأثیرگذار در جبهه مقاومت است. در حالی که برخی آثار هنری مانند آهنگ «عطش» از چاوشی نمونه‌ای موفق بود، اما به طور کلی تولیدات هنری در این حوزه بیشتر به شکل آثار برجسته و منفرد باقی مانده‌اند و نتوانسته‌اند به عنوان ابزار مؤثر فرهنگی و رسانه‌ای با مخاطبان داخلی و خارجی به طور گسترده تعامل کنند. این موضوع وی در ادامه افزود: به ضعف در جبهه هنری جنگ تبدیل شده که باید مورد بازنگری قرار گیرد. از دیگر آسیب‌های بزرگ فضای اندیشکده‌ای، نبود ارتباط و همبستگی میان این نهادها است. جلسات و بسترهای منظم برای همکاری مشترک و تبادل نظر میان اندیشکده‌ها به ندرت وجود دارد و این باعث شده فعالیت‌ها پراکنده و کم‌اثر باشد. همچنین جایابی مشخص و جبهه‌سازی برای فعالیت اندیشکده‌ها در مقابل دشمن (مثل اسرائیل) هنوز تعیین نشده و

● اندیشکده‌ها
نتوانسته‌اند از
فناوری‌های نوین
بهره‌برداری کنند.

مشخص نیست هر اندیشکده چه نقشی بر عهده دارد. علاوه بر این، بسیاری از اندیشکده‌ها هنوز در چارچوب و شیوه‌های قدیمی فعالیت می‌کنند و به جای پاسخ‌های سریع و عملی به مسائل روز، بیشتر به تحلیل‌های عمیق و ثانویه می‌پردازند که در شرایط جنگی و بحرانی چندان کارآمد نیست. تولید محتوای سریع، به روزرسانی مکرر، و استفاده از فناوری‌های نوین تولید محتوا از جمله کمبودهای مهم در این حوزه است. این امر موجب شده تا اندیشکده‌ها در فاز تصمیم‌سازی و گفتمان‌سازی در میان مردم و سطوح حاکمیت به میزان لازم نقش‌آفرین نباشند.

او همچنین گفت: نکته دیگری که مطرح است، نبود نگاه حکمرانی یکپارچه و جامع در اندیشکده‌ها است. فعالیت‌ها در حوزه‌های تخصصی و جزء جزء غوطه‌ور شده‌اند، اما این فعالیت‌ها به طرحواره کلی حکمرانی در جنگ و استراتژی کلان متصل نشده‌اند. همچنین استفاده از تجارب جنگ‌های گذشته مانند دفاع مقدس و جنگ اوکراین به شکل مؤثر صورت نگرفته است که این یک ضعف بزرگ است. آینده‌پژوهی و تحلیل سناریوهای مختلف جنگ، به خصوص موضوعاتی مانند «فتح اسرائیل» که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره کرده‌اند، هنوز به صورت دقیق و علمی انجام نشده است. سوالات زیادی در این زمینه مطرح است، مانند سرنوشت جمعیت پنج میلیونی اسرائیلی، هزینه‌های انتقال آن‌ها، و نحوه تحقق وعده‌های استراتژیک که باید با برنامه‌ریزی دقیق پاسخ داده شود. از دیگر مسائل مهم، عدم بهره‌برداری از ظرفیت‌های مردمی در پژوهش است. اگرچه برخی فراخوان‌ها برای مشارکت عمومی داده شده، اما این ظرفیت‌ها هنوز به طور کامل جذب و به کار گرفته نشده‌اند. همین‌طور نبود نقشه و ابزارهای دقیق برای تصمیم‌گیری در اکوسیستم جنگ، مخصوصاً در زمینه‌های رسانه‌ای، روایت‌سازی، و مقابله با آرایش رسانه‌ای و اندیشکده‌ای دشمن، یکی از خلاهای اساسی است.

او در ادامه اظهار داشت: عدم نسبت‌یابی و تعامل فعال اندیشکده‌ها با بخش‌های نظامی و امنیتی نیز یکی از چالش‌های مهم است. اندیشکده‌ها باید از جایگاه‌های سنتی خود خارج شوند و به مراکز تصمیم‌سازی و ساختارهای حکمرانی نزدیک شوند تا تاثیرگذاری واقعی داشته باشند. در حال حاضر بسیاری از این نهادها هنوز در فضاها محدود و غیرمؤثر فعالیت می‌کنند. علاوه بر این، ارتباط ضعیف

با دستگاه‌های فرهنگی و هنری که خود با تعداد محدود نیرو و منابع کار می‌کنند، مشکلات تولید محتوای فرهنگی-جنگی را بیشتر می‌کند. همکاری و هماهنگی میان این دستگاه‌ها و اندیشکده‌ها می‌تواند موجب تولید محتوای تأثیرگذارتر شود. از دیگر کمبودهای اساسی، عدم ژانرسازی و سویی‌سازی پژوهش‌ها به گونه‌ای است که پژوهش‌های اندیشکده‌ای به شکل روایت‌های قابل فهم، پروتکل‌ها و دستورالعمل‌های کاربردی نظامی و امنیتی تبدیل نمی‌شوند. در حالی که فضای نظامی به شدت نیازمند پروتکل‌ها و راهنماهای دقیق است، این خلاء باعث می‌شود بسیاری از پژوهش‌ها به صورت خام و غیرقابل بهره‌برداری باقی بمانند. وی در ادامه گفت: عدم معنابخشی صحیح به جنگ جاری از نظر ماهیت و هدف نیز یک ضعف بزرگ است. جنگ کنونی ایران با ویژگی‌هایی کاملاً متفاوت از جنگ‌های گذشته است و یک جنگ تمدنی محسوب می‌شود که باید روایت آن نیز مبتنی بر این نگاه باشد. روایت‌های موجود یا به جنگ‌های قدیمی مشابهت داده می‌شوند یا نمی‌توانند معنا و هدف جنگ فعلی را به خوبی تبیین کنند. رهبر انقلاب در این زمینه راهنمایی‌های کلان داده‌اند اما هنوز این نگاه به طور کامل در جامعه و نهادهای مرتبط نهادینه نشده است. یکی دیگر از نقاط ضعف، عدم هدف‌گذاری واضح و روایت هدفمند جنگ است. روزهای اولیه جنگ گزارش‌ها و روایت‌هایی وجود داشت که بیشتر بر ابعاد کوتاه‌مدت و عددی تمرکز داشت، اما هدف نهایی و استراتژی بلندمدت به درستی تعریف و تبیین نشده است. این باعث شده که ابهام در میان مردم و حتی تصمیم‌گیران وجود داشته باشد که جنگ با چه هدفی باید ادامه یابد و نتیجه نهایی چیست. در زمینه تجربه‌نگاری و درس‌آموزی نیز، نداشتن پروتکل‌های موثر برای مواجهه با فتنه‌ها و اغتشاشات، مانند فتنه سال ۱۴۰۱، ضعف بزرگی است که باید اصلاح شود. با وجود وجود اسناد و فایل‌های متعدد، این تجربیات هنوز به صورت عملی در ساختارهای تصمیم‌ساز و مدیریت بحران استفاده نمی‌شوند. با توجه به احتمال وقوع جنگ‌های شهری و شدت یافتن جنگ‌های آینده، نیاز به تدوین پروتکل‌های تخصصی و کاربردی برای مدیریت این نوع جنگ‌ها کاملاً احساس می‌شود. این موضوع یک ضرورت استراتژیک برای آمادگی

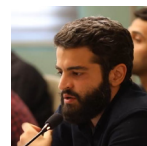
دفاعی کشور محسوب می‌شود. ● روایت جنگ جاری معنا و هدف
او در پایان سخنانش بیان داشت: در نهایت، یکی از موارد مهم و کلیدی، دقیق ندارد.

نبود رصد و تحلیل دقیق و منسجم فعالیت‌ها و تحرکات اندیشکده‌ها و رسانه‌های آمریکا و اسرائیل است. کشورهایی که بیش از هزاران اندیشکده دارند و از این ظرفیت‌ها به صورت گسترده در جنگ‌های شناختی و رسانه‌ای بهره می‌برند، در مقابل ما هنوز چنین سازوکارهایی را به طور کامل شکل نداده‌ایم. این خلاء در رصد، تحلیل و مقابله با تحرکات پدافندی و آفندی دشمن، یک آسیب استراتژیک به شمار می‌رود. در مجموع، این آسیب‌شناسی‌ها نشان می‌دهد که فضای اندیشکده‌ای کشور در مواجهه با جنگ نیازمند تحولات اساسی است؛ از جمله همگرایی و همبستگی بیشتر میان اندیشکده‌ها، ارتباط فعال و نزدیک با مراکز تصمیم‌سازی و بخش‌های نظامی و امنیتی، تولید محتوای سریع و دقیق، آینده‌پژوهی قوی و سناریوپردازی منسجم، تبدیل پژوهش‌ها به پروتکل‌ها و دستورالعمل‌های کاربردی و معنابخشی مناسب به ماهیت و هدف جنگ. این تغییرات می‌تواند به افزایش کارآمدی اندیشکده‌ها در شرایط بحرانی و جنگی منجر شود و نقش مؤثرتری در هدایت و مدیریت کشور ایفا کند.



نهادهای حمایتی باید به گروه‌های آسیب‌پذیر توجه کنند

علی اکبر
مرکز حرکت



اندیشکده ما در طول مدت اخیر با تقریباً نه گروه مختلف در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در زمینه جنگ و پیامدهای اجتماعی و امنیتی آن همکاری داشته است. رویکرد ما مبتنی بر حضور فعال در میدان و همراهی با گروه‌ها برای طراحی برنامه‌های کاربردی بوده است. یکی از حوزه‌های مهم فعالیت ما، همکاری با فعالین کودکان و نوجوانان بود که روی دو خط اصلی متمرکز بودیم: نخست، درگیر کردن شبکه‌های جدید دانش‌آموزی و نوجوانی که تاکنون کمتر در بحران‌ها فعال بوده‌اند؛ برای مثال، شبکه‌هایی مانند سمپادی‌ها و کانون پرورش فکری که معمولاً در وقایع حساس درگیر نمی‌شوند، هدف ما در این بخش گسترش این مشارکت‌ها بود. دوم، تبدیل نوجوانان به کنشگران فعال جنگی و جدی گرفتن ظرفیت‌های آنان نه صرفاً به عنوان مخاطب، بلکه به عنوان تولیدکنندگان محتوا با استفاده از مکانیزم‌هایی مثل UGC (محتوای تولیدشده توسط کاربران) تا نقش نوجوانان در تولید محتوا و مشارکت اجتماعی پررنگ‌تر شود.

او افزود: در حوزه کسب‌وکار و استارت‌آپ‌ها نیز تلاش کردیم مدل‌هایی برای توسعه محصولات اجتماعی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR) طراحی کنیم که در بحران‌ها به سرمایه‌گذاری پایدار تبدیل شوند. تاکید داشتیم که هزینه‌هایی که کسب‌وکارها در حوزه اجتماعی می‌کنند، هزینه صرف نیست بلکه سرمایه‌گذاری راهبردی برای کاهش هزینه‌های آینده و مدیریت بحران است. با فعالین حوزه امنیتی و نظامی نشست‌هایی داشتیم و در آنجا به چهار خط طراحی سیاستی پرداختیم. یکی از مهم‌ترین پیشنهادات، ادغام نیروی انتظامی و راهنمایی و رانندگی

به صورت یک نهاد یکپارچه بود تا کارایی و پاسخگویی ارتقا یابد. این مدل می‌تواند موجب سرعت و دقت در اعمال قانون و کنترل خطاهای انسانی شود؛ به طوری که جرمه‌ها به جای خودرو یا کارگاه، به فرد خاطی تعلق گیرد. همچنین در حوزه امنیت فناوری، به مسئله تشویق معرفی مراکز تولید پهپاد اشاره کردیم که به عنوان ابزاری مهم در امنیت می‌تواند نقش آفرین باشد. از دیگر مباحث مهم، نگرانی ما نسبت به سیاست‌های حمایتی بود که برخی نهادها برای گروه‌های آسیب‌پذیر اجرا می‌کنند، مانند کمک‌های بلاعوض. با الهام از حدیثی درباره صبر و مقاومت، پیشنهاد کردیم که به جای پرداخت‌های زود هنگام، تاب‌آوری اجتماعی و پایداری افراد را تقویت کنیم تا افراد خود به خود در مقابله با مشکلات مقاوم شوند. همچنین با برخی نهادهای اقتصادی مانند اسنپ وارد مذاکره شدیم تا از ظرفیت آن‌ها برای کمک به اعضای آسیب‌دیده استفاده شود و آن‌ها را به نهادهای اجتماعی پایدار تبدیل کنیم.

وی ادامه داد: در همکاری با طلاب و گروه‌های حوزوی، به دنبال طراحی بانک سوالات معارض بودیم که به واسطه آن بتوان مباحث مربوط به «الهیات جنگ» را شفاف‌تر مطرح کرد. هدف این بود که مباحث ایدئولوژیک، تاریخی، و اجتماعی جنگ و سوالات چالشی در این زمینه‌ها به صورت سازماندهی شده مورد بحث قرار گیرند تا فضای اندیشگی و فکری برای مواجهه با بحران بهتر فراهم شود. همکاری

مهم دیگری با تیم‌های رسانه‌ای مانند شبکه پویا و امید انجام دادیم تا روایت‌های سیاه‌وسفید را کاهش داده و روایت‌های نزدیک‌تر به واقعیت را تقویت کنیم. در این حوزه به مدل تثبیت تصمیم میکرو رسانه‌ها رسیدیم؛ میکرو رسانه‌ها به دلیل تنوع و پراکندگی اطلاعات، گاهی باعث سردرگمی مخاطبان می‌شوند، اما با تثبیت برخی پیام‌ها، می‌توان تاثیرگذاری آن‌ها را افزایش داد.

او همچنین گفت: یکی دیگر از طرح‌های نوآورانه ما، ارائه مدل واکسیناسیون اجتماعی در فضای مجازی بود. این مدل مبتنی بر ارسال پیامک‌هایی با لینک‌هایی بود که به ظاهر واقعی‌اند اما نتیجه آن فیک است. به عنوان مثال، پیامکی که فرد را از دست دادن مبلغی از حساب یا احتمال افشای اطلاعات

● یکپارچه‌سازی
نهادهای کارایی را
افزایش می‌دهد و
با جرمه مستقیم
خاطیان، خطاها را
کاهش می‌دهد؛
همچنین با تشویق
تولید پهپاد، تقویت
تاب‌آوری اجتماعی و
همکاری با نهادهای
اقتصادی و حوزوی،
مقابله با بحران‌ها و
جنگ روانی را بهبود
می‌بخشد.

به جاسوسان هشدار می‌دهد. این اقدام نوعی آموزش غیرمستقیم برای افزایش آگاهی اجتماعی و مقابله با جنگ روانی دشمنان است. در پایان، باید گفت که تلاش ما بیشتر حول محور تعامل سازنده و طراحی راهکارهای عملی برای مسائل مختلف اجتماعی، امنیتی و فرهنگی دوران جنگ بوده است. تاکید داشتیم که پروژه‌های ما باید منطبق بر نیازهای میدانی و توانمندسازی جامعه و نهادهای مختلف باشند و تلاش کنیم تاب‌آوری اجتماعی و مشارکت فعال همه اقشار به ویژه نوجوانان و فعالین اقتصادی و مذهبی افزایش یابد تا بتوانیم در برابر بحران‌ها و تهدیدات بهتر مقاومت کنیم.



اندیشکده‌ها ساختار ذهنی را می‌شکنند و تاب‌آوری اجتماعی را برای مواجهه با جنگ افزایش می‌دهند



حجت صیادی
اندیشکده شرح

اندیشکده‌ها دو نقش مهم دارند؛ یکی اینکه بتوانند طرح‌ها و ایده‌های کارشناسی شده و جامع برای اجرا ارائه دهند و دیگری اینکه ساختارهای ذهنی موجود را بشکنند و پیش‌فرض‌های قبلی را به چالش بکشند. شکستن این پیش‌فرض‌ها و ارائه ایده‌های نو می‌تواند به ایجاد مسیرهای تازه در تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری کمک کند. همچنین بیان ناگفته‌ها و ایده‌های کمتر مطرح شده، جذابیت و اثربخشی بحث را بالا می‌برد. ما در اندیشکده خود، با توجه به ظرفیت‌ها و مخاطبان محدود، تلاش کردیم پنج قدم از صد قدم لازم را برداریم. رویکرد اصلی ما دوری از تحلیل‌های صرفاً نظامی و جنگی است و بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی و عملیاتی متمرکز بوده است. سعی کردیم به سرعت ارتباط برقرار کنیم، درک مشترک ایجاد کنیم و اقدام‌های کوچک مشترک انجام دهیم.

وی افزود: در این مسیرشش محور کاری را برای خود تعیین کرده‌ایم. ابتدا به رصد اجتماعی و افکارسنجی‌ها پرداختیم و با استفاده از داده‌های موجود، تحلیل‌های ثانویه‌ای ارائه کردیم تا وضعیت روانی و اجتماعی جامعه به خصوص در شرایط جنگی بهتر شناخته شود. در ادامه بر مطالعه پارادایم‌های مختلف اجتماعی تمرکز داشتیم؛ چرا که در جامعه ایران چندین پارادایم مختلف وجود دارد که این تفاوت دیدگاه‌ها باعث کاهش همبستگی اجتماعی می‌شود. ما سال‌ها پیش روی این موضوع کار کرده‌ایم و تلاش می‌کنیم این تحلیل‌ها را به سیاست‌گذاران منتقل کنیم تا در بحران‌هایی مانند جنگ، همبستگی اجتماعی حفظ شود. یکی از نکات مهمی که متوجه شدیم، نیاز جامعه به پناه اجتماعی است؛ یعنی جامعه بیش از آنکه به

پناهگاه‌های فیزیکی نیاز داشته باشد، به شبکه‌های حمایتی و ارتباطات اجتماعی برای تاب‌آوری نیاز دارد. این موضوع در مواردی مانند عملکرد ضعیف اورژانس اجتماعی نمایان است که ضعف اپراتورهای آن بسیار محسوس است و نیاز به تقویت دارد. همچنین تلاش کرده‌ایم ارتباطات جدی‌تری با نهادهای دولتی و مردمی برقرار کنیم. برخی نهادها مانند شهرداری و بهزیستی همکاری مناسبی داشتند ولی نهادهایی مثل وزارت کار کمتر درگیر شدند. همچنین در حوزه راهبری اجتماعی و کار در سطح شهرستان‌ها و مناطق، کار رسانه‌ای مشترکی انجام دادیم که بیشتر توسط گروه‌های منطقه‌ای به پیش برده شد. ظرفیت دانشجویی نیز فعال شده و دانشجویان دانشگاه‌های مختلف در رویدادهای مهارت‌آموزی و فعالیت رسانه‌ای اجتماعی شرکت کردند که قصد داریم این ظرفیت را بیش از پیش تقویت کنیم. او در ادامه گفت: با توجه به پیش‌بینی ادامه جنگ برای دو سال یا بیشتر، تمرکز ما باید بر افزایش تاب‌آوری و استقامت اجتماعی باشد. تحلیل‌های دشمن نیز بیشتر روی همین نکته متمرکز است. از این رو، رویکرد کلی ما پیشگیری اجتماعی برای افزایش استقامت است؛ به این معنا که جامعه به جای واکنش صرفاً پس از وقوع بحران، باید به شکل نهادینه آمادگی مواجهه با مرحله بعدی جنگ را داشته باشد. می‌توانیم اکنون برنامه‌های پیشگیری و آموزش لازم را انجام دهیم تا درصدی از آمادگی اجتماعی افزایش یابد. این امر مستلزم به هم‌رسانی ظرفیت‌های مختلف دولتی، میانی و مردمی است تا شبکه حمایتی منسجم‌تری شکل گیرد و پاسخگویی به بحران‌ها سریع‌تر و مؤثرتر انجام شود. در مرحله بعدی جنگ که شرایط سخت‌تر خواهد بود، باید ترس و اضطراب جامعه مدیریت شود. در مرحله اول ترس وجود داشت اما شدت آن پایین‌تر بود، اما در مرحله دوم این ترس افزایش می‌یابد و اگر کنترل نشود، ممکن است به بحران‌های روانی و اجتماعی گسترده‌تر منجر شود. ارائه اطلاعات دقیق، افزایش پناه اجتماعی و تقویت امید می‌تواند به کاهش اضطراب کمک کند. همچنین اختلافات و پارادایم‌های مختلف اجتماعی که باعث شکاف در جامعه شده‌اند باید با تمرکز بر اشتراکات و موضوعات اصلی کاهش یابند تا انسجام اجتماعی حفظ شود.

وی اظهار داشت: مسائل معیشتی اقشار آسیب‌پذیر نیز با وجود اینکه مستقیماً مربوط به حوزه کاری ما نیست، اهمیت زیادی دارد. اقشاری مانند کارگران که از

● اندیشکده‌ها

پیش‌فرض‌ها
را به چالش
می‌کشند و نهادها
تاب‌آوری اقتصادی
آسیب‌دیدگان
جنگ را افزایش
می‌دهند؛ جامعه
نیز با همبستگی و
مدیریت اضطراب
در برابر بحران‌ها
مقاومت می‌کند.

پیامدهای جنگ آسیب می‌بینند، باید از طریق نهادهایی مانند بنیاد برکت مورد حمایت قرار گیرند تا تاب‌آوری اقتصادی آنها افزایش یابد. همچنین باید توجه داشت که دشمن تلاش دارد با ایجاد شکاف اجتماعی و بحران‌های داخلی، انسجام جامعه را تضعیف کند. در این مسیر ما باید با مسئله‌سازی اجتماعی و مواجهه مبتنی بر عبرت اجتماعی مقابله کنیم؛ یعنی از تجربه مرحله اول جنگ درس بگیریم و برای مرحله بعدی بهتر آماده شویم. افزایش تاب‌آوری اجتماعی به معنای تحمل فشارها نیست بلکه به توانایی بازپایی سریع‌تر و مقاومت موثرتر در برابر مشکلات اشاره دارد. این امر نیازمند تقویت نهادهای اجتماعی، آموزش مستمر و ایجاد شبکه‌های حمایتی قوی است. همچنین اندیشکده‌ها باید جرات داشته باشند پیش‌فرض‌های قدیمی را به چالش بکشند و ایده‌های نوآورانه ارائه کنند. این امر مسیر را برای سیاست‌گذاری‌های نو و موثر باز می‌کند.

او در پایان سخنانش گفت: نگاه ما باید به جای صرفاً امنیتی بودن، اجتماعی باشد و سیاست‌ها باید بر تقویت جامعه و مردم متمرکز شوند. همکاری بین گروه‌های اجتماعی، نهادهای دولتی و غیردولتی و افزایش مشارکت عمومی از ضروریات این مسیر است. ارتباط موثر با نهادهای میانجی مانند بهزیستی، شهرداری و بنیاد برکت نقش مهمی در انتقال کمک‌ها و اجرای برنامه‌ها به اقشار آسیب‌پذیر دارد و می‌تواند تأثیر بسزایی در افزایش تاب‌آوری اجتماعی داشته باشد. در مجموع، تجربه‌ها و بررسی‌های ما نشان می‌دهد اقدامات انجام شده در زمینه مقابله با پیامدهای اجتماعی جنگ بسیار محدود بوده است و نیاز جدی به تمرکز روی برنامه‌های پیشگیرانه و تقویت تاب‌آوری اجتماعی وجود دارد. تقویت همبستگی، مدیریت اضطراب، حل اختلافات اجتماعی و حمایت از معیشت آسیب‌پذیران، محورهای اصلی این تلاش‌ها هستند. این مسیر دشوار است اما با برنامه‌ریزی دقیق و همکاری مستمر میان بخش‌های مختلف می‌توان استقامت اجتماعی را تقویت کرد و تاب‌آوری جامعه را افزایش داد تا در برابر بحران‌ها مقاومت کرده و فرصت‌های پیش رو را بهتر مدیریت کنیم.

ضعف تاب‌آوری اجتماعی و حکمرانی ناکارآمد تهدیدی برای مواجهه با جنگ‌های طولانی‌مدت است



سید سجاد سجادی

اندیشکده حکمرانی مشارکتی ایرانیان

در این مدت کوتاه که احتمال مواجهه با جنگ یا تنش‌های جدید وجود دارد، به نظر می‌رسد بسیاری از مسائل حیاتی هنوز به شکل جدی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. تجربه ۱۲ روز جنگ اخیر نشان داد که ما هنوز ضعف‌های مهمی در انسجام و تاب‌آوری اجتماعی داریم. در این مدت اگرچه نقاط قوتی مانند حضور برخی گروه‌ها و نشان دادن توانایی در همبستگی مشاهده شد، اما نشانه‌های نگران‌کننده‌ای نیز از ترک محل کار و کاهش مشارکت در نهادهای حیاتی مانند بهزیستی و جمعیت هلال احمر دیده شد که هشدارهای جدی درباره آمادگی جامعه برای جنگ طولانی‌تر به حساب می‌آید. یکی از موضوعات کلیدی که اندیشکده‌ها باید بر آن تمرکز کنند، تقویت تاب‌آوری اجتماعی است. تجربه این جنگ کوتاه نشان داد که حتی نهادهای مهم اجتماعی در مواجهه با فشارها دچار مشکلات جدی شدند. همچنین مشاهده شد که طبقه متوسط شهری و برخی گروه‌های جامعه مدنی سکولار که پیش‌تر با حاکمیت اختلاف نظر داشتند، با میل و رغبت بیشتری وارد میدان شدند. این گروه‌ها می‌توانند ظرفیت قابل توجهی برای کمک به جامعه در شرایط بحران باشند، اما متأسفانه تاکنون برنامه مشخصی برای جذب و استفاده از این ظرفیت‌ها وجود نداشته است.

او افزود: دولت در شرایط جنگ طولانی مدت ممکن است در حوزه‌های رفاهی و توزیعی دچار ضعف شود و بیشترین تمرکز خود را بر مسائل امنیتی بگذارد، که این می‌تواند بحران‌های اجتماعی و رفاهی را تشدید کند. در چنین شرایطی نهادهای مدنی و گروه‌های داوطلب می‌توانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند و خلأهای احتمالی

دولت را پرکنند. این فرصتی است که باید از هم‌اکنون به آن پرداخته شود تا هم جامعه آمادگی بیشتری پیدا کند و هم این گروه‌ها به صورت سازمان‌یافته وارد عمل شوند. یکی دیگر از نقاط مهم مسئله روایت‌سازی است. روایت منسجم و دقیق از جنگ و پیامدهای آن برای آگاه‌سازی عمومی ضروری است. این روایت باید به گونه‌ای طراحی شود که مخاطبان مختلف، از جمله طبقه متوسط شهری و فعالان جامعه مدنی، درک کنند با چه شرایطی روبرو هستند و نقش خود را در این شرایط چگونه ایفا کنند. تجربه جنگ اخیر نشان داد که این جامعه پس از سال‌ها باورهای خود را دستخوش تغییراتی یافته و بیش از پیش به واقعیت‌های تلخ جنگ پی برده است. همچنین برخی بنگاه‌های خصوصی نیز که معمولاً در چنین شرایطی مشارکت کمتری دارند، اکنون نگرانی بیشتری نسبت به تأثیرات طولانی‌مدت جنگ بر محیط کسب‌وکار خود دارند و آمادگی کمک‌های مالی و حمایتی از جامعه را نشان داده‌اند. اما همه اینها نیازمند یک روایت رسمی و منسجم است که همگان را به سمت مشارکت بیشتر سوق دهد.

وی در ادامه گفت: مسئله بعدی ساختار حکمرانی است که در شرایط بحرانی و جنگ‌های طولانی مدت به شدت مورد آزمایش قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد ساختار سیاسی و حکومتی فعلی کشور برای تصمیم‌گیری‌های سریع، منسجم و محکم در چنین شرایطی ناکافی است و ممکن است در مواجهه با سناریوهای پیچیده و بدبینانه دچار ضعف و فلج شود. بنابراین باید به ● ظرفیت‌های فکر راهکارهای فوری و کوتاه‌مدت برای تغییر در ساختارهای حکمرانی و نقش‌آفرینی بهتر دولت در شرایط بحرانی بود. این تغییرات می‌تواند شامل اصلاح نقش‌های حاکمیتی، افزایش هماهنگی بین نهادها و بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری باشد تا پاسخ به بحران‌ها سریع‌تر و کارآمدتر انجام شود.

او در انتها گفت: در نهایت، آنچه از این بررسی‌ها و تجربه‌ها به دست آمده این است که اگرچه اقدامات زیادی انجام نشده و ضعف‌هایی جدی وجود دارد، اما فرصت‌هایی نیز برای اصلاح، آمادگی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در جامعه دیده می‌شود. باید هرچه سریع‌تر از این ظرفیت‌ها استفاده کرد و برنامه‌ریزی‌های لازم را برای افزایش تاب‌آوری اجتماعی و تقویت انسجام انجام داد تا در مواجهه با

جنگ‌های آینده یا تنش‌های دیگر، جامعه بتواند بهتر مقاومت کند و پیامدهای منفی کاهش یابد. همچنین توسعه روایت‌های دقیق و شفاف برای اقشار مختلف مردم، فعالان اجتماعی و حتی بخش خصوصی، می‌تواند نقش مهمی در همگرایی و مشارکت گسترده‌تر ایفا کند. این مسیر نیازمند هم‌افزایی همه بخش‌های جامعه، نهادهای مدنی، دولت و اندیشکده‌هاست تا به یک پاسخ هماهنگ و مؤثر دست یابیم.



یکی از چالش‌های جنگ،

تعطیلی حتی برخی داروخانه‌های شبانه‌روزی در تهران بود

محدنه ساسانی
اندیشکده نخب

اندیشکده نخب در دوره اخیر جنگ، تمرکز ویژه‌ای بر موضوع کالاهای سلامت‌محور، به‌خصوص دارو، داشته است و فعالیت‌های خود را به دو بخش اصلی تقسیم کرده: فعالیت‌های انجام‌شده در دوره جنگ و برنامه‌ریزی‌ها و پیشنهادات برای دوره‌های احتمالی آینده. در بخش نخست، اندیشکده به شناسایی و تحلیل چالش‌های موجود در زنجیره تأمین دارو پرداخته است. یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در این دوره مشاهده شد، تعطیلی تعدادی از داروخانه‌های تهران، به‌ویژه داروخانه‌های شبانه‌روزی و داروخانه‌های منتخب که مسئولیت توزیع داروهای خاص را داشتند، بود. این تعطیلی‌ها عمدتاً به دلایل امنیتی، ترس مردم و تخریب‌های ناشی از جنگ رخ داد که منجر به کاهش دسترسی به دارو در برخی مناطق شد. علاوه بر این، ورود انبوه جمعیت به شهرهایی که درگیر جنگ بودند، فشار زیادی بر تأمین دارو و ساعت کاری داروخانه‌ها وارد کرد. این مشکلات باعث شد اندیشکده نخل با تحلیل نظام‌مند این مسئله، پیشنهاداتی را برای سازمان غذا و دارو ارسال کند تا ساعت کاری داروخانه‌ها تغییر کند و داروسازان موظف به ارائه خدمات در ساعات حساس باشند.

وی در ادامه افزود: یکی دیگر از چالش‌های اصلی، وابستگی سامانه پایش زنجیره تأمین دارو به اینترنت بود. در شرایطی که دسترسی به اینترنت مختل می‌شد، سازمان غذا و دارو قادر نبود به صورت دقیق میزان ذخایر دارویی در شرکت‌های تولیدکننده و توزیع‌کننده را رصد کند. این مشکل خطرات جدی در مدیریت تأمین دارو ایجاد کرد. در پاسخ به این مسئله، اندیشکده نخل یک پروتکل ویژه برای

مدیریت زنجیره تأمین دارو در شرایط قطع اینترنت تدوین کرد که شامل سازوکارهای جایگزین برای حفظ پیوستگی تأمین دارو و امکان مدیریت نسخ الکترونیک حتی در شرایط قطع اینترنت بود. هرچند اجرای این پروتکل به دلیل تغییر شرایط به سمت آتش‌بس محدود ماند، اما این تجربه به عنوان یک درس آموخته مهم در آرشیو اندیشکده باقی مانده است.

او همچنین گفت: اندیشکده نحل همچنین به ریسک‌های احتمالی در آینده نگاه کرده است. یکی از نگرانی‌های عمده این است که با کاهش پروازهای بین‌المللی و تحریم‌ها، تأمین ماده اولیه دارو از منابع خارجی ممکن است با مشکل مواجه شود؛ مسئله‌ای که ممکن است در ماه‌ها یا سه‌ماهه‌های آینده خود را نشان دهد. برای مقابله با این مشکلات، اندیشکده از طریق ارتباط با جامعه داروسازان چالش‌ها و نگرانی‌های آن‌ها را جمع‌آوری کرده و به تحلیل گذاشته است. یکی از نگرانی‌های شایع، ذخیره‌سازی بیش از حد دارو توسط مردم است که باعث ایجاد تقاضای کاذب و اختلال در زنجیره تأمین می‌شود. علاوه بر این، دورکاری در سازمان غذا و دارو و کاهش توان پاسخگویی کارشناسان این سازمان در برخی استان‌ها نیز از مشکلاتی است که اندیشکده به آن‌ها اشاره کرده است. مشکلات احتمالی شرکت‌های پخش و تولیدکننده دارو نیز مورد توجه قرار گرفته است. به دلیل استراتژیک بودن دارو، حمله به این شرکت‌ها و مختل کردن فعالیت آن‌ها می‌تواند تأمین داروهای حیاتی را با چالش روبرو کند. این نگرانی زمانی تشدید می‌شود که چند تأمین‌کننده محدود باشند و اطلاعات آن‌ها قابل رهگیری توسط دشمن باشد. همچنین اندیشکده به مساله احتمالی عدم همکاری برخی شرکت‌ها و داروخانه‌ها در شرایط بحرانی اشاره کرده و برنامه‌هایی برای پیش‌بینی و مدیریت این وضعیت در دستور کار دارد.

وی اظهار داشت: در بخش دوم فعالیت‌ها، اندیشکده نحل به برنامه‌ریزی‌های خود برای آینده پرداخته است. بر اساس تجربه‌های به دست آمده، اندیشکده در

نظر دارد مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و سیاست‌های اجرایی ● ذخیره‌سازی در حوزه دارو را تدوین و به نهادهای سیاستگذار و اجرایی ارائه کند. این برنامه‌ها شامل تدوین آرایش جنگی دارویی است که به صورت دقیق شرایط شرکت‌ها، میزان دپو و ذخیره‌سازی دارو و نحوه توزیع آن‌ها را در شرایط جنگی پوشش دهد. هدف

بی‌رویه دارو توسط مردم، یکی از مهم‌ترین عوامل اختلال در زنجیره تأمین است.

از این کار، ایجاد آمادگی عملیاتی بیشتر در برابر سناریوهای احتمالی جنگ طولانی مدت است تا در صورت وقوع بحران، واکنش‌ها سریع، منسجم و اثربخش باشد. او در انتها افزود: اندیشکده نحل معتقد است که نهادهای سیاستگذار و اجرایی در حوزه دارو معمولاً بیشتر به مسائل روزمره و اجرایی توجه دارند و کمتر به برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و پیش‌بینی‌های بحران می‌پردازند. به همین دلیل اندیشکده تلاش می‌کند به عنوان یک نهاد مشورتی، خلأهای موجود را پر کرده و راهکارهایی مبتنی بر تحلیل داده‌ها و تجربه‌های اخیر ارائه دهد تا در مدیریت بحران‌های احتمالی موفق‌تر عمل شود. جمع‌بندی کلی فعالیت‌های اندیشکده نحل در این دوره جنگ نشان می‌دهد که در حالی که برخی مشکلات فوری و ساختاری در حوزه دارو آشکار شده است، فرصت مناسبی برای یادگیری و بهبود شرایط وجود دارد. تدوین پروتکل‌های مدیریت بحران، پیش‌بینی ریسک‌های آینده و ایجاد تعامل سازنده با نهادهای ذیربط می‌تواند به ارتقای تاب‌آوری سیستم سلامت در شرایط بحرانی کمک کند. به طور خلاصه، اندیشکده نحل با تحلیل دقیق وضعیت موجود، شناسایی چالش‌های عملیاتی و تدوین راهکارهای سیاستی سعی کرده است به نحوی مؤثر در حوزه تأمین دارو در شرایط جنگی نقش‌آفرینی کند و تجربه‌های این دوره را به فرصت‌هایی برای بهبود و آمادگی بیشتر در آینده تبدیل نماید.



خانه اندیشه و زمان

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین چهارراه ولیعصر (عج) و خیابان
برادران مظفر شمالی، پلاک ۹۰۷

ایمیل: khanahouse.ir@gmail.com

تلفن: ۰۲۱۶۶۹۸۰۶۴۴